

---

# فصل اول

## میراث مکتوب

---



فَدَعَا فَرَقَدُونَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

فَأَنزَلْنَا سَحَابًا مِّنْ سَمَاءٍ

وَمَا يَدْعُونَ لَهَا وَلَئِن كَانُوا

لَأَوْشِكَا اللَّهُ وَيَتَوَكَّلُوا

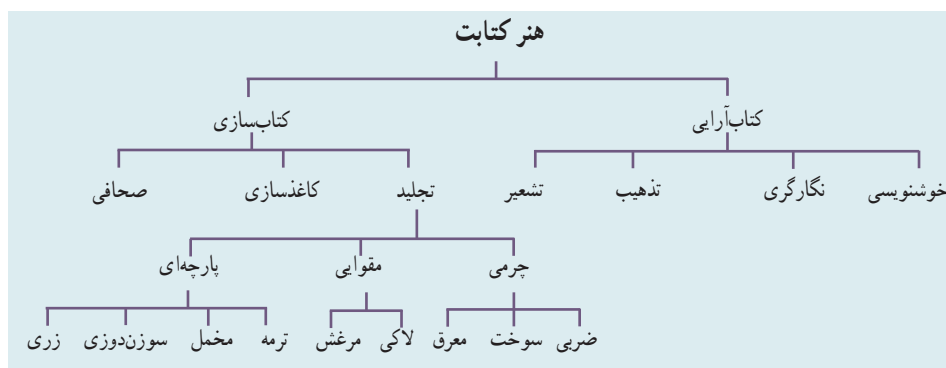
لَشَيْءٍ حَلَمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْ

## میراث مکتوب



**هدف‌های رفتاری:** پس از پایان این فصل، از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- پیشینه پیدایش خط را در قبل از اسلام شرح دهد.
- ۲- مراحل تحول خط پس از ظهور اسلام را توضیح دهد.
- ۳- سیر تاریخی، استادان معروف و کاربرد هر یک از انواع خوشنویسی نامبرده را شرح دهد.
- ۴- انواع خوشنویسی تفننی و خطوط ابداعی معاصر را نام ببرد.
- ۵- سرچشمه‌های هنر کتابت ایران را بیان کند.
- ۶- آداب کتابت در خوشنویسی ایران را شرح دهد.



### میراث مکتوب

بارزترین ویژگی انسان در برتری نسبت به سایر موجودات، زبان و اندیشه و به دنبال آن دستیابی به خط و کتابت است. مطالعه «زبان و خط و تاریخ تحول آن» از مهم‌ترین مطالعات و کاوش‌های علمی است. شاید به همین دلیل در قرآن کریم خداوند نیز به قلم سوگند یاد کرده است.

به طور کلی میراث مکتوب در فرهنگ ایرانی شامل تاریخ خط قبل از اسلام و بعد از اسلام و هنر کتابت در ایران است، که به آن می‌پردازیم.

## تاریخ خط قبل از اسلام

در اسطوره‌های ایران باستان پیدایش خط را به تهمورث برادر جمشید و یکی از پادشاهان پیشدادی نسبت داده‌اند. در تاریخ بلعمی (ترجمه‌ای از تاریخ طبری) نیز به این موضوع اشاره شده است. در فارسنامه ابن بلخی و مجمل‌التواریخ و شاهنامه فردوسی نیز این داستان آمده است. در کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر در محوطه جیرفت کرمان در کنار زیگورات عظیمی، کتیبه‌های آجری به خط نشانه‌ای پیش ایلامی<sup>۱</sup> کشف شده (تصویر ۱) و باعث شد تا باستان‌شناسان درباره داشته‌ها و ادعای پیشین خود نسبت به کهن‌ترین تمدن جهان (سومر) تجدیدنظر کنند. وجود این کتیبه‌ها در کنار آثار عظیم معماری عصر باستان، نشانی از یک تمدن پیشرفته، حکومت مقتدر و نظام اقتصادی قوی محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> خط پیش ایلامی بر کتیبه‌ها و ظروف زیادی برجای مانده است. (تصویر ۲) همچنین در محوطه باستانی شهداد کرمان (خبیص) تعداد قابل توجهی سفالینه قرمز رنگ پیدا شده است. مطالعات انجام شده بر روی بیش از هفتصد سفالینه که دارای علائم و خطوط نشانه‌ای هستند، نشان می‌دهد که کلمات مشکل را به وسیله فشار مُهر فلزی یا سنگی در بدنه ظرف به وجود آورده‌اند و علائم ساده خطی را با قلم کنده‌اند.

کشف خط نشانه شهداد دریچه تازه‌ای در خطوط ابتدایی اقوام پیش از تاریخ نواحی شرق ایران گشود<sup>۳</sup> (تصویر ۳) همزمان با شهداد خطوط ایلامی بر روی الواح گلی و سنگی معمول شد (تصویر ۴).

گسترش خط به مناطق غربی و جنوب ایران محدود نشد. کاربرد خطوط نشانه‌ای تا دورترین اماکن رواج یافت زیرا بین تمدن‌های بزرگ ایلام، سومر، موهنجودارو و هاراپا ارتباط فرهنگی برقرار شده بود.

در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد آثار شکوفایی و تحول بزرگ خط در معبد چغازنبیل شوش (بزرگترین زیگورات جهان) نمایان شد. آجر نبشته‌های خط میخی ایلامی بر آن بنای رفیع مشهود است. آجرهای تزئینی با لعاب رنگارنگ آبی و سفید حاوی نام سازنده زیگورات (اوتناش‌گال پادشاه ایلامی) به خط میخی ایلامی است و نام خدای اینشوشیناک نیز تکرار شده است.



تصویر ۱- کتیبه آجری از محوطه باستان جیرفت (کرمان) - به خط نشانه‌ای پیش ایلامی هزاره پنجم قبل از میلاد)



تصویر ۲- کتیبه ایلامی - نام ۲۴ پادشاه از سلسله‌های پیشین - موزه لوور فرانسه



تصویر ۳- خط نشانه ای شهداد کرمان - هزاره سوم قبل از میلاد



تصویر ۴- طرح گل نبشته - خط نشانه ای ایلامی مقدم

### ۱- Proto Elamite

۲- متأسفانه حفاران و قاچاقچیان اشیای عتیقه، بسیاری از میراث گرانبهای تمدن جیرفت را به بهای اندک از ایران خارج کرده و به موزه‌داران بزرگ دنیا فروخته‌اند.

۳- کتیبه شش کلمه‌ای به خط نشانه‌ای ایلامی (هزاره سوم ق.م) بر لبه یکی از خمره‌ها حاوی این مفهوم است: «شصت کا آب

باران شیرین»

به طور کلی خط و کتابت در ایران نتیجه پیشرفت و خیزش درون محلی است و تأثیر میان‌رودان در آن کم‌رنگ است. صرف نظر از خط پیش ایلامی در تمدن جیرفت، اگر خط میخی در جنوب غربی ایران در فرآیند مبادلات فرهنگی - اقتصادی از سومر تأثیر گرفته باشد، اما راه مستقلاً را در پیش گرفته و هرگز نوشتار تصویری سومری در حوزه فرهنگ ایلامی مقدم تقلید و اقتباس نشده است.

مردم آنشان (فارس امروزی) در محدوده دوره ایلامی خط میخی را از ۸۰۰ علامت به ۳۰۰ علامت ساده تبدیل کردند و برای بعضی از اصوات نیز علائمی وضع کردند. پس از ورود آریایی‌ها، مادها آن را از صورت نموداری و آهنگی به شکل الفبایی درآوردند و این مهم‌ترین تغییر و پیشرفت در آسان نمودن خط به شمار می‌رود. گرچه تاکنون کتیبه یا سندی از مادها به دست نیامده است ولی از بررسی کتیبه‌های میخی دوران هخامنشی در تخت جمشید، بیستون و نقش رستم، این مطالب به خوبی روشن می‌شود. میخی پارسی از میخی بابلی و ایلامی ساده‌تر است و تنها در استفاده از شکل میخ<sup>۱</sup> با آن دو اشتراک دارد (تصویر ۵). بنابراین خط میخی پارسی آخرین دگرگونی این خط و اوج شکوفایی آن محسوب می‌شود. تمامی کتیبه‌های پارسی با ستایش اهورا مزدا آغاز می‌شود و با تأکید بر وحدانیت خداوند پیامی را ارائه می‌دهد و این سنت پیام مکتوب هخامنشی است. کتیبه‌های بسیار متعددی از پارس‌ها به دست آمده است که در این میان کتیبه استوانه‌ای کوروش به عنوان نخستین منشور حقوق بشر جهان، از مفاخر ایران به شمار می‌رود (تصویر ۶).



تصویر ۶- حقوقی که در این منشور اشاره شده است، امروزه انسان پس از ۲۵۰۰ سال هنوز در اندیشه ایجاد و فراهم سازی آن است و آرزوی گسترش آن عدالت را در سر می‌پروراند.



تصویر ۵- شکل میخ در نوع نوشتار میخی

۱- استفاده از قلم نوک مثلث (گوه‌شکل) به جای قلم نوک نیز باعث سرعت نگارش شد اما مقطع میخ ماندنی هم به وجود آورد.

گنج‌نامه همدان، کتیبه کوروش در پاسارگاد، کتیبه‌های نقش رستم، شوش، تخت جمشید و... از مهم‌ترین آثار بازمانده از خط و زبان پارسی باستان است.

همچنین کتیبه بیستون یکی از با ارزش‌ترین اسناد تاریخی به جا مانده از دوران باستان در جهان محسوب می‌شود. تعدادی از پژوهشگران و دانشمندان اروپایی به کمک کتیبه سه زبانه بیستون توانستند ابتدا رموز خط میخی پارسی و سپس خطوط میخی ایلامی، بابلی و آشوری را کشف کنند و به این ترتیب به تاریخ کهن سرزمین ایران و میان رودان پی ببرند (تصویر ۷). در بخشی از کتیبه داریوش می‌گوید: «... به خواست اهورا مزدا و به فرمان من این کتیبه‌ها به آریایی (پارسی) که پیش از این نبود، روی لوح و پرچم نوشته شد و نزد من خوانده شد. سپس من این نوشته‌ها را به میان کشورهای دیگر فرستادم و مردم پذیرا شدند...»

وجود کتیبه‌ها به زبان‌های مختلف بیانگر احترام داریوش به فرهنگ و زبان‌های دیگر است. (تصویر

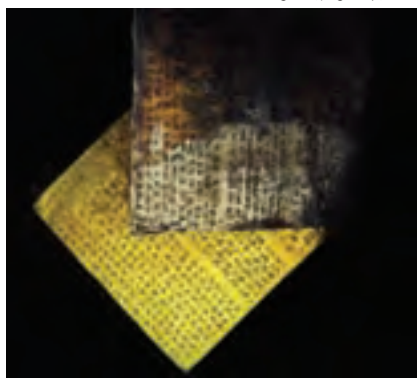
۸ و ۹).

در دوران هخامنشی در کنار خطوط میخی خط آرامی<sup>۱</sup> هم دیده می‌شود.

از مهم‌ترین کشفیات خزانه تخت جمشید هزاران لوح سفالی کوچک است که به خط میخی ایلامی دستمزد کارگران بر آن حک شده است و پژوهشگران با ترجمه و بررسی این الواح به رازهای بزرگی پی برده‌اند. از جمله اینکه هیچ کس در ساخت تخت جمشید به بیگاری گرفته نمی‌شد و تمامی افراد از ملیت‌های مختلف در آنجا کار می‌کردند و علاوه بر حقوق عادلانه به نوعی بیمه هم بودند. زنان پایه‌پای مردان وظایفی به عهده داشتند و هر زنی که کودکی به دنیا می‌آورد، علاوه بر حقوق و مرخصی، مبلغی به عنوان پاداش دریافت می‌کرد. (تصویر ۱۰)



تصویر ۷- بخشی از سنگ نگاره و سبک نبشته کتیبه کوه بیستون



تصویر ۸- لوح سیمین و زرین داریوش - کشف شده از پایه های کاخ تخت جمشید - به سه خط میخی ایلامی، بابلی و پارسی - موزه ملی ایران



تصویر ۹- اثر مهر استوانه‌ای داریوش - به سه خط میخی ایلامی، بابلی و پارسی



تصویر ۱۰- طرح از کارگران و سنگ تراشان تخت جمشید

۱- خط آرامی حدود قرن دهم ق.م از فنیقی‌ها اقتباس شد و رواج یافت و آن خطی الفبایی است که دارای ۲۲ حرف می‌باشد.

در کتیبه مشهوری که در لایروبی کانال سوتر کشف شده با خط میخی پارسی و هیروگلیف مصری به حفر این کانال توسط داریوش و نام دریای پارس اشاره شده است.

در حال حاضر از مجموعه الواح کوچک گلی یافت شده و در تخت جمشید هزاران لوح مربوط به بایگانی دیوانی داریوش در گنجینه موزه ملی ایران نگهداری می‌شود که هنوز خوانده نشده است و در صورت خوانده شدن افق‌های تازه‌ای بر هنر معماری و تمدن هخامنشی خواهد گشود.

پس از حمله اسکندر مقدونی در دوران سلوکی (حکومت کوتاه مدت یونانی‌ها بر ایران) روی سکه‌ها نوشته‌هایی به خط یونانی ضرب شده است. در دوره اشکانی با ابداع خط پهلوی اشکانی تحول نوبنی در کتابت پدید آمد که در کلیه مناسبات از ضرب سکه یا پوست نوشته و دیوار نوشته به کار می‌رفت.

در دوره ساسانی خط پهلوی با تغییراتی رواج یافت.<sup>۱</sup> این خط به دلیل رواج دین زردشت و کتاب اوستا به نام خط اوستایی (دین دبیره) نامیده شد و سکه‌های ساسانی با خط پهلوی ساسانی ضرب شد (تصویر ۱۱). در نقش رستم فارس و بنای کعبه زردشت در نزدیکی آن شرح شکست والین امپراطور رومی در جنگ با شاپور پادشاه ساسانی حک شده است. همچنین در دورا اوروپوس (واقع در سوریه امروزی) مطالبی به پارتی و خط پهلوی بر روی سفال و پوست و دیوار نوشته شده است.



تصویر ۱۱- سکه دوره ساسانی - حاشیه به خط پهلوی ساسانی



تصویر ۱۲- جام قلم زنی شده با خط نلت - موزه صنایع دستی معاصر ایران

### تاریخ خط و خوشنویسی بعد از اسلام

در سال ۶۵۱ میلادی با سقوط سلسله ساسانی، دین مبین اسلام وارد ایران شد. تا چند قرن پس از ظهور اسلام زبان و خط پهلوی در ایران تداوم داشت ولی زبان فارسی دری گسترش یافت و به سبب نیاز مذهبی خط کوفی<sup>۲</sup> به همان شیوه ابتدایی نوشته می‌شد. به زودی ایرانیان کوشیدند که از این خط، خطی زیبا با قاعده و برابر ذوق ایران به وجود بیاورند و این آغاز خوشنویسی در ایران بود. خوشنویسی به مرور ترقی کرد و تزئینات آن غنی شد و مقام مهمی را احراز کرد و نه تنها در کتابت قرآن مجید<sup>۳</sup> بلکه در نقش سفالینه‌ها، قلمزنی فلزات، کتیبه‌های معماری، سکه‌ها و... به کار برده شد. (تصاویر ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷)

۱- خط‌های دوره ساسانی: طبق استاندارد و نوشته‌های نویسندگان بزرگ چون ابن مقفع هفت خط (اوستایی (دین دبیره) کشته دبیره، آمد دبیره و... متفاوت ساسانی وجود داشت. برای سروده‌های دینی (اوستایا دین دبیره)، احکام دادگستری و حسابهای خزانه دولتی، کتیبه و نام پادشاهان بر روی سکه‌ها، دستورات پزشکی متون فلسفی، منشور پادشاهان و خطی مخصوص پادشاهان که آموختن آن برای دیگران جرم بزرگی محسوب می‌شد و خطی دارای ۳۶۵ حرف بود (به عنوان کاملترین خط دنیا که با آن همه زبان‌های آن زمان مانند ترکی، رومی، یونانی و... را هم می‌نوشتند. و حتی قادر بودند صداهایی چون شُرْشُرْ آب و آواز پرندگان و حالات چهره را بنویسند).

۲- بسیاری از محققان معتقدند که از خط آرامی شش نوع خط به وجود آمده است: (۱) هندی (۲) فارسی پهلوی (۳) عبری (یهودیان) (۴) سُریانی (۵) تَدْمُری (۶) بَیْطی.

نبطی مادر خط کوفی است. دو شاخه مهم کوفی، شرقی و غربی است.

۳- کتابت در آغاز اسلام به کمک رسول اکرم (ص) رواج یافت. خالد بن ابی‌الهیاج اولین کسی بود که در صدر اسلام از سوره «الشمس تا آخر قرآن» را در کتیبه مسجدالنبی با زر نوشت.



تصویر ۱۳- سکه ایلخانی - نقره ضرب شده در یزد - موزه ملی ایران



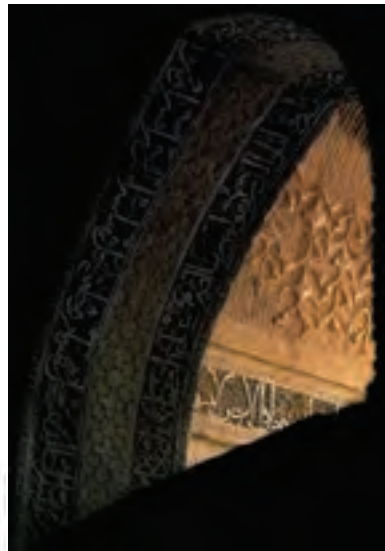
تصویر ۱۵- ظرف مسی قلم‌زنی شده با خط نلت



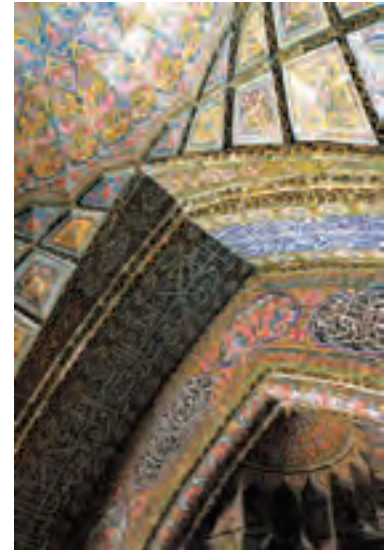
تصویر ۱۴- کاسه پایه‌دار سفالی لعاب‌دار با خط کوفی و نقش ماهی - در اطراف کاسه کلمه برکه تکرار شده است



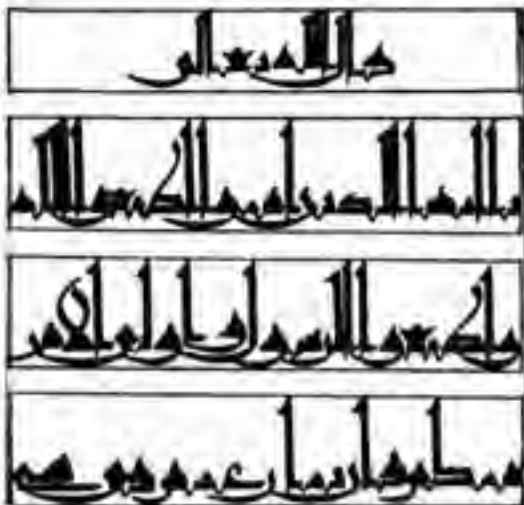
تصویر ۱۸- خط کوفی یک صفحه از قرآن، سده سوم و چهارم هجری - موزه رضا عباسی



تصویر ۱۷- مسجد نصیرالملک - شیراز دوره قاجاریه



تصویر ۱۶- مسجد جامع اردستان، اصفهان - دوره های سلجوقی و صفویه - از میراث جهانی



تصویر ۱۹- کوفی ساده ایرانی - پیرآموز

خط کوفی ابتدا بدون نقطه و حرکات زیر و زبر و بیش نوشته می‌شد، بعدها برای جلوگیری از اشتباه به آن نقطه و حرکات اضافه شد.<sup>۱</sup> هرچند به علت مخالفت مسلمانان در دست بردن به آیات قرآن، نقطه و حرکات را با رنگی متفاوت از متن نوشتند (تصویر ۱۸).

با این همه خواندن و نوشتن خط کوفی با مشکلات همراه بود از این رو ایرانیان بعدها با ذوق و سلیقه خود نوعی کوفی ساده و روان ایجاد کردند که آن را کوفی پیرآموز یا کوفی ایرانی نامیدند (تصویر ۱۹).

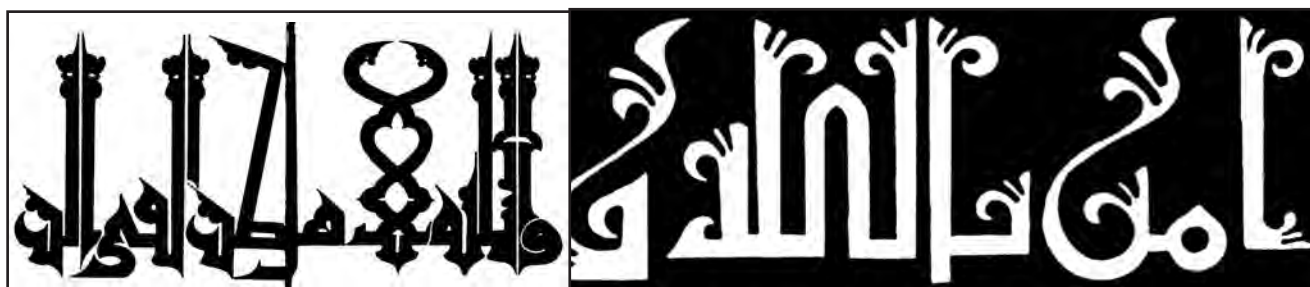
۱- به دستور حضرت علی (ع) نخستین کسی که نقطه را برای خط کوفی وضع کرد، شاگرد آن حضرت، ابوالاسود دؤلی بود.



انواع خط کوفی و کوفی تزیننی را از پنجاه نوع بیشتر می‌توان برشمرد. (تصاویر ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳) اما آنچه بیشتر در ایران به کار می‌رفت شامل کوفی تحریری، تزیننی، بنایی و بعدها کوفی پیرآموز بود که رواج یافت. کوفی بنایی یا معقلی در نمای بناهای مقدس و مذهبی به کار رفت. در این نوع کوفی کلمات و جمله‌ها با استفاده از خط مستقیم و هندسی به صورتی زیبا، محاسبه و طراحی شد و سپس با آجر لعابدار یا کاشی یک رنگ روی بنا به کار رفت (تصاویر ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷).



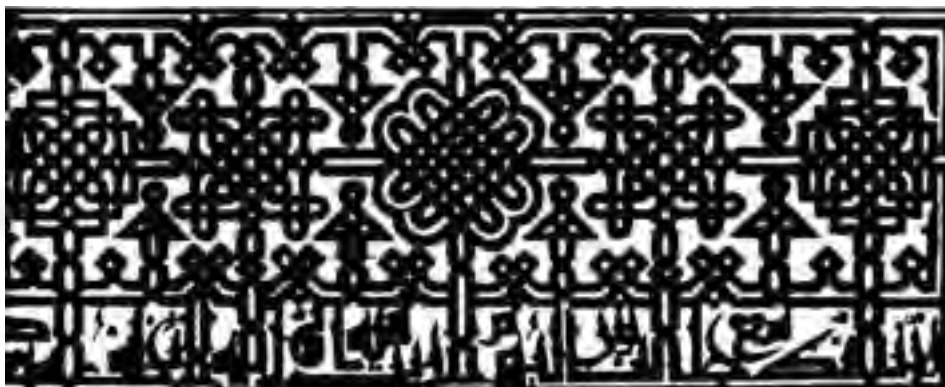
تصویر ۲۰- کوفی مُزَهَر (گل‌دار) - گچ‌بری مسجد جامع قزوین.



تصویر ۲۱- کوفی مُورِق (برگ‌دار) - کتیبه مسجد حیدریه قزوین



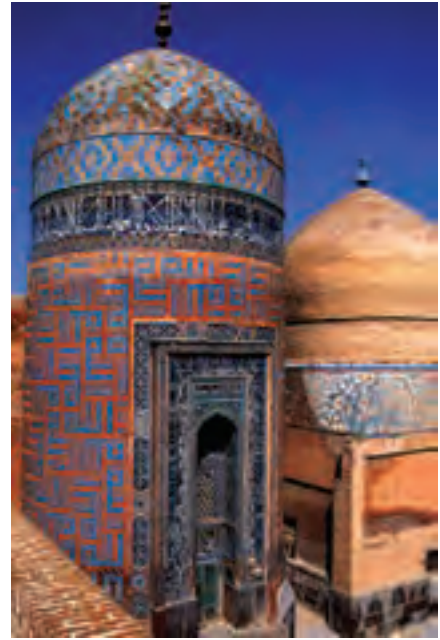
تصویر ۲۳- کوفی مُوشِح (شکل‌دار) -  
به شکل قُبّه - عبارت و لاغایب الاالله



تصویر ۲۲- کوفی مُشْتَبِه (گره‌دار) - کتیبه مسجد جامع قزوین



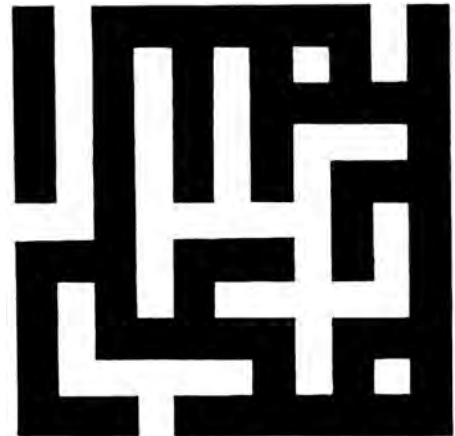
تصویر ۲۵- کوفی بنایی ساده - کاشی کاری



تصویر ۲۴- کوفی بنایی ساده با آجر لعاب دار - بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی - دوره صفویه



تصویر ۲۷- کوفی بنایی مشکل - ۶ بار کلمه علی تکرار شده است



تصویر ۲۶- کوفی بنایی متوسط - کلمات الله محمد، علی

## اقلام سته

در اوایل دوره اسلامی ایرانیان دگرگونی تازه‌ای در خط پدید آوردند و با ظهور چهره درخشان «محمد بن علی فارسی» معروف به ابن مقله شیرازی خط وارد مرحله جدیدی شد و خطوط محقق و ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع مشهور به اقلام سته پدید آمد. وی خطوط نسخ و رقاع و محقق را به قاعده درآورد و از آن پس بسیاری از قرآن‌ها و کتاب‌ها به نسخ نوشته شد. وی دوازده قاعده کلی خط را نیز وضع کرد.<sup>۱</sup>

علی بن هلال معروف به ابن بواب براساس قواعد هندسی و دوازده قاعده، اقلام سته را زیباتر و روان‌تر جلوه داد و خط ریحانی را کمال بخشید. به خط ابن مقله و ابن بواب خطوط «منسوب»

۱- ضعف و قوت، سطح و دور، صعود و نزول، نسبت و ترکیب، کرسی و اصول، صفا و شأن.

می‌گویند. یاقوت مستعصمی با جدیت و ابتکار اقلام سته را ترویج کرد و خط نسخ و ثلث را به مقامی والا رساند. اقلام سته یاقوتی را خطوط «اصول» می‌گویند.

از خط نسخ بیشتر در کتابت قرآن مجید استفاده می‌کردند و از خط ثلث در سر سوره‌ها، قطعه‌نویسی، کتیبه نویسی در مساجد و مکان‌های زیارتی استفاده می‌کردند. توقیع و رقاع برای نامه‌نگاری و محقق و ریحان برای نوشتن قطعات و کتابت به کار می‌رفت. امروزه نسخ و ثلث به علت رواج در کتابت قرآن کریم و برخی کتاب‌های مذهبی همچنان رواج دارد (تصویر ۲۸، ۲۹ و ۳۰).



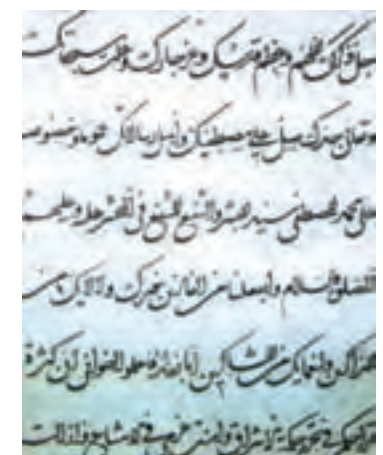
تصویر ۲۸- قرآن مجید - نسخ ریحانی - سر سوره به خط رقاع - قلم سفیداب در زمینه زر جدول‌کنسی - موزه ملی ایران



تصویر ۳۰- قرآن مجید به خط محقق و ریحان - شمشه لاجوردی و زرین - سر سوره و نشان - موزه رضا عباسی



تصویر ۲۹- قرآن مجید - خط محقق - دایره زرین برای علایم آیات - موزه رضا عباسی



تصویر ۳۱- قطعه خط تعلیق - صفحه اول حکمت الاشراق سهروردی به خط سید محمد منشی سلطانی - قرن ۹ هجری

در اواخر عهد صفوی احمد نیریزی در شیوه خط نسخ تغییراتی ایجاد کرد که به نسخ ایرانی مشهور شد.

### تعلیق

خط تعلیق با شباهت‌های زیادی به خط پهلوی اوستایی (پیوند خط ایرانی و عربی) به وجود آمد و در مکاتبات اداری و دیوانی رایج شد. بعدها این خط توسط خواجه تاج اصفهانی و خواجه اختیار منشی گنابادی به کمال رسید. این خط نه تنها با پیچیدگی و انحناهای زیاد خواندن را مشکل می‌کرد، بلکه بدون حرکات زیر و زبر و پیش هم به کار می‌رفت (تصویر ۳۱). نیاز به تندنویسی موجب شد که در این خط پیوستگی حروف و کلمات زیاد شود و سرعت کتابت افزایش یابد و در نوشتن مراسلات استفاده شود. این شیوه را ترُّسل یا شکسته تعلیق نامیده‌اند.

### نستعلیق

به تدریج خطی از ترکیب نسخ و تعلیق در ایران به وجود آمد که نستعلیق نام گرفت. خطی منظم و معتدل که از کندی نسخ و نقایص تعلیق به دور بود؛ دارای نظم و اعتدال با دایره‌های ظریف و موزون، و عروس خطوط اسلامی نامیده شد. خط نستعلیق هنری است نمادین که از نگاه عارفانه ایرانی به عشق و هستی پدید آمده است. (تصویر ۳۲)



تصویر ۳۲- خط نستعلیق - خط میرعماد حسنی به سبک و شیوه میر علی هروی

اصلاح و انضباط این خط توسط میرعلی تبریزی انجام شد و با ابتکار و خلاقیت میرعماد حسنی صیفی قزوینی (میرعماد بزرگ) به درجه ممتاز رسید. (تصویر ۳۳)

محمد رضا کلهر بر زیبایی این خط افزود و شیوه کتابت نستعلیق را به کمال رساند و نیز برای به کارگیری در صنعت چاپ اندک تغییراتی در آن به وجود آورد. سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان با چاپ سنگی اثر اوست.

میرزا غلامرضا اصفهانی با نگاهی هنرمندانه به جنبه‌های تجسمی و تصویری نستعلیق، سیاه مشق‌های جاودانه خود را آفرید.

### شکسته نستعلیق

نیاز به تندنویسی رفته‌رفته خط نستعلیق را پیچیده کرد و به دست مرتضی قلی خان شاملو و سپس محمد شفیع هروی (شفیعا) تکمیل شد و توسط درویش عبدالمجید طالقانی به درجه کمال رسید. سیدعلی اکبر گلستانه شیوه درویش را ادامه داد ولی ناخوانا بودن این خط باعث شد تا خوشنویسانی چون قائم مقام فراهانی و امیرنظام گروسی آن را ساده‌تر کنند (تصویر ۳۴).

### شیوه‌های کاربرد خوشنویسی

استادان خوشنویسی با افزودن نقشی اندک یا درهم پیچاندن حروف و یا ترکیب‌هایی شیرین و... فرم‌های جدیدی را ابداع کردند که به عنوان شیوه‌های کاربرد خوشنویسی مطرح می‌شوند:

**طغری:** اگرچه پیشینه طغری به دوره سلجوقی می‌رسد اما قدیمی‌ترین نمونه‌های آن از دوران ایلخانی و آل جلایر دیده شده است و به جای مهر سلطانی بر سر نامه‌ها و فرمان‌های حکومتی نوشته می‌شد. بعدها این خط در مهرها، سکه‌ها و انگشتر هم کاربرد یافت. طغری را با خط ثلث، رقاع یا دیوانی و غیره می‌نویسند (تصویر ۳۵).

**مثنی:** در لغت به معنی دوتایی است و با خطوط کوفی، محقق، ثلث و غیره می‌توان نوشت. بعضی از آن را خط مجنون<sup>۱</sup> یا آینه‌ای می‌نامند (تصویر ۳۶).

**معما:** در این نوع خط، عبارت معنای مخفی و پوشیده‌ای دارد و خواندنش نیاز به دقت بیشتری دارد (تصویر ۳۷).



تصویر ۳۳- دیوان حافظ - خط نستعلیق - کتابت بر کاغذ اصفهانی آهار شده - دارای سرلوحه و جدول‌کشی و مهر ناصرالدین شاه



تصویر ۳۴- دیوان حافظ - شکسته نستعلیق توسط علی محمد شیرازی - کتابت بر کاغذ زرافشان - دارای سرلوحه و جدول‌کشی - طلااندازی متن و حاشیه مذهب مرصع - کتابخانه کاخ گلستان - تهران



تصویر ۳۷- خط معما - عبارت: ای حجت خدا - حبیب الله فضائلی



تصویر ۳۶- خط مثنی - ثلث



تصویر ۳۵- خط طغری - با خط ثلث - حبیب الله فضائلی

۱- ابداع این خط را به مجنون رفیقی هراتی نسبت می‌دهند.

**سیاه مشق**: قطعات سیاه مشق از حالات شور و شغف، آزادگی و آمادگی اساتید خوشنویس حکایت می‌کند. در سیاه مشق باید به توازن بین فضاها، پر و خالی توجه شود. تکرار منظم یا نامنظم حروف و کلمات نشانه توانمندی استاد خوشنویس است (تصویر ۳۸).

**گلزار**: در این نوع خوشنویسی داخل حروف و کلمات را با نقوش اسلیمی و ختایی یا گل و مرغ پر می‌کنند (تصویر ۳۹).



تصویر ۳۸- سیاه مشق نستعلیق - صداقت جباری (معاصر) - قلم و مرکب



تصویر ۳۹- گلزار با خط ثلث

**غبار**: نوع ظریف و زیبایی از خوشنویسی است و با قلمی ریز هر نوع خطی نوشته می‌شود و مانند گردوغبار به چشم می‌خورد. و گاهی داخل حروف و کلمات را با این خوشنویسی‌های ریز پر می‌کنند. **چلیپانویسی**: چلیپا از مجموع دو قالب دوسطری به صورت مورب در صفحه به وجود می‌آید و بهترین قالب برای نوشتن دوبیتی و رباعی به‌شمار می‌رود. در اطراف چلیپا، فضاها خالی به نام لچکی به وجود می‌آید که به‌طور معمول با تذهیب یا قلم ریز پر می‌شود. از انواع دیگر آن چلیپای مرکب است که با قالب‌های دیگر ترکیب می‌شود. (تصویر ۴۰).

**ناخنی**: شیوه‌ای از نگارش خط که با فشار ناخن بر کاغذ به صورت برجسته، نقش می‌بندد. (تصویر ۴۱).

امروزه ضمن رواج خطوط نستعلیق، نسخ و تا حدی ثلث و شکسته نستعلیق، خطوط جدیدی هم به وجود آمده است حتی خوشنویسان هنرمند و خلاق سعی کرده‌اند از ترکیب‌بندی و آرایش حروف و کلمات به منزله عناصر بصری در آثار هنری خود استفاده کنند.

## هنر کتابت در ایران

یکی از هنرهای تمدن درخشان ایرانی که جلوه‌های بسیار ظریف آن، نشان دهنده رواج علم و دانش و کمال ذوق و قریحه مردم این سرزمین است، هنر کتابت و کتاب آرایی است. از کتابت قبل از اسلام در ایران آثار چندانی باقی نمانده است. با توجه به کشفیات باستان‌شناسی و اشاره در متون بعد از اسلام، کتابت از دوره اشکانی وجود داشته است و کتاب‌های ایرانی در علوم،



تصویر ۴۰- چلیپانویسی نستعلیق - میرعماد حسینی



تصویر ۴۱- نمونه‌ای از خط ناخنی

پزشکی، فلسفه و کشاورزی به یونانی و قبطی ترجمه می‌شد.

«اوستا» کتاب مقدس ایرانیان باستان برای قرن‌ها مکتوب نبود و سینه به سینه منتقل می‌شد تا اینکه در زمان ساسانیان به رشته تحریر درآمد و بر هزاران پوست گاو با خط زر نوشته شد. این کتاب دارای دستورالعمل‌های اخلاقی و دینی است و از نظر ادبیات کهن دارای مطالب مهمی از باورهای کهن ایرانیان و اساطیر است و شامل عقیده آنان نسبت به آفرینش، مرگ، رستاخیز و... است. همین مطالب سبب پیدایش افسانه‌ها و حماسه‌های ملی ایرانیان شد که مهم‌ترین آنها خدای نامه، بهمن‌نامه و شاهنامه فردوسی است.

– در دوره ساسانی برزویه طبیب کتاب «کلیله و دمنه» را از هند به ایران آورد و به پهلوی ساسانی ترجمه کرد و حکایت‌هایی بر آن افزود.<sup>۱</sup>

– کتاب‌های بازمانده از دوران ساسانیان شامل موضوعات مختلفی است. فرهنگ لغت، دانش‌نامه، متون فلسفی و کلامی، الهام و پیشگویی، ادبیات حماسی و... نمونه‌هایی از آن است. دو کتاب «درخت آسوریک»<sup>۲</sup> و «یادگار زریران»<sup>۳</sup> نیز وجود دارد که از آثار اشکانی بوده و در زمان ساسانیان بازنویسی شده است. یادگار زریران از نظر محتوی و سبک نگارش می‌تواند نخستین تعزیه ایرانی به شمار آید. در دوره اسلامی کتاب‌ها از زبان پهلوی به عربی ترجمه شد.<sup>۴</sup>

در دوره ساسانی مانی تعالیم مذهبی را آغاز کرد و برای ترویج آیین خود کتاب‌های بسیاری نگاشت.<sup>۵</sup> از جمله شاپورگان و ارژنگ (کتابی با نقاشی‌های زیبا برای آموزش مذهبی بیسوادان) از کتاب‌های اوست. در مکتب مانوی طرح و رنگ نقش مهمی را ایفا می‌کند. مانی نقاشی را به خدمت کتاب گرفت و شاید برای اولین بار در دنیا تصویرگری در خدمت کتابت در آمده باشد.

ظهور دین مبین اسلام، سرآغاز دوره‌ای است که در طی آن یک مجموعه همگون در زمینه کتابت و کتاب آرایه فراهم آمد. شیفتگی مسلمانان نسبت به کتاب مقدس باعث شد تا هر هنری در ارتباط با کتابت قرآن کریم به حد کمال برسد. کاتبان با امانت‌داری در کلام وحی، هنر خوشنویسی را با نقش مزین کردند و درون جلد‌های زیبا قرار دادند. حیرت‌آور آنکه در خلال فراز و نشیب‌های یک تاریخ پراشوب، ارج نهادن به کتاب همچنان ادامه یافت. کتاب همچون زبان و ادبیات فارسی درخشش یافت و از مرزهای ایران فراتر رفت و سرمشق هنرمندان در هند، امپراطوری عثمانی و حتی ایتالیای عصر رنسانس قرار گرفت.

۱- اصل کتاب کلیله و دمنه به زبان سانسکریت و به نام «پنجه تنتره» بوده و شاعر آن بیدپای هندی است.

۲- درخت آسوریک: داستان مباحثه بز (جانور نماد عشایری) با درخت خرما (از سرزمین آموریان) است در این داستان نویسنده دوست بز است و بز در این مناظره پیروز می‌شود.

۳- یادگار زریران: کتاب با موضوعات پهلوانی و دلاوری ایرانیان و جنگ‌های گشتاسب‌وار حباب که در آن زریر برادر گشتاسب است.

۴- کتاب‌هایی مانند خدای نامه، کلیله و دمنه، هزار افسانه (هزارویک شب امروزی)، سندباد نامه، ویس و رامین و... همگی از آثار پیش از اسلام است.

۵- هرمن پسر شاپور به تحریک موبدان زردشتی وی را به قتل رساند و مانویان به چین پناه بردند و بقایای کتاب مانویان از ناحیه تورفان در غرب ترکستان چین به دست آمده است.

مصور کردن و آرایش هنری قطعات و کتاب‌های علمی و ادبی توسط هنرمندان نگارگر، خوشنویس، تذهیب‌کار و جلدساز پیوند خجسته این هنرها را نشان می‌دهد.

هنرمندان فنون کتاب‌آرایی چون تذهیب، تشعیر، جدول‌کشی، خوشنویسی، نگارگری و هنرمندان فنون کتاب‌سازی چون کاغذسازی، صحافی، وراقی و جلدسازی آثار منحصر به فردی به تاریخ جهان ارزانی داشته‌اند. همچنین با توجه به اصالت خط و کتابت و آداب معنوی آن میراثی به یادگار مانده که در تداوم شیوه‌های آموزش با حفظ اصول و قواعد بایستی متوجه حفظ و حرمت ارزش‌های معنوی آن باشند.

در اینجا لازم است که به اختصار به آداب کتابت، نگارگری، تذهیب و تشعیر در کتاب‌آرایی به تجلید و کاغذسازی در کتاب‌سازی بپردازیم.

## آداب کتابت

هنرمند هنرهای سنتی براساس اعتقاد خود، کار هنری را با آداب خاصی اجرا می‌کرد. و کار خود را کوششی برای رسیدن به کمال می‌دانست. این هنرمند برپایه اصول اعتقادی خود قلم به دست گرفته و یا دست به کار هر هنر اصیل دیگری می‌شد. او می‌داند که نمی‌تواند با پروردگار برابری کند ولی می‌تواند به سوی او برود و پرتوی از جمال خداوندی را در اثرش نشان بدهد و به درجات کمال برسد.

در طول تاریخ رساله‌ها و فتوت‌نامه‌هایی توسط هنرمندان و بزرگان نوشته شده است. که درباره جوانمردی، پیشه‌ها، هنرها و آداب آنهاست. در آیین جوانمردی، اساتید هنرهای سنتی همیشه اصل و ریشه هنر و حرفه خود را به انبیا و اولیا نسبت می‌دهند و پیرو آنانند و خوشنویسان همه مرید حضرت علی (ع) هستند. نام خود را معمولاً با «کتب‌القصیر» یا «مشقه‌العبد» و ... همراه می‌کردند.

به عنوان مثال رساله «آداب مشق» اثر بابا شاه اصفهانی و رساله دیگر «صراط‌السطور» اثر سلطان علی مشهدی درباره آداب خوشنویسی نوشته‌اند. از میان آداب خوشنویسی سه مورد اهمیت بسیار دارد. ۱) مشق نظری ۲) مشق قلمی ۳) مشق خیالی

**مشق نظری:** هنرجو باید از استاد بهره بگیرد. در کار استاد دقت کند و نمونه‌های زیادی را ببیند.

**مشق قلمی:** هنرجو باید از روی مشق استاد تمرین کند.

**مشق خیالی:** هنرجو پس از تمرین قلمی به درجات متعالی از خوشنویسی برسد و به صورت

ذهنی بنویسد و در آن همه قواعد خوشنویسی را به کار ببندد.

در رسالات خوشنویسی از میان دوازده قاعده، به دو قاعده صفا و شأن تأکید زیادی شده است. در قاعده صفا، هنرجو باید حرمت استاد نگه دارد و اگر پیشرفت کرد، متواضع و فروتن باشد و دستورات دینی را رعایت کند و هنگام کار وضو داشته باشد تا با پاکی ظاهر و صفای باطن اثر خود را ابداع کند. این‌گونه صفای دل هنرمند به اثر هنری‌اش منتقل می‌شود.

قاعده دیگر به نام شأن، حالتی در خوشنویسی است که کاتب مجذوب تماشای اثرش شده و از خود فارغ می‌شود و از لذت‌های دنیوی بی‌نیاز می‌گردد و پرتو نور الهی را در کارش می‌بیند.

## پرسش

- ۱- خط پیش ایلامی را بر چه آثاری می توان یافت؟ نام ببرید.
- ۲- خط و کتابت در ایران چگونه به وجود آمده است؟
- ۳- ارزش کتیبه بیستون را توضیح دهید.
- ۴- در دوره اشکانی چه خطی به وجود آمد و از چه خطی اخذ شد؟
- ۵- خط کوفی در ایران چه تحولی را طی کرد؟
- ۶- اقلام سته را نام ببرید.
- ۷- خطوط منسوب و اصول چیست؟
- ۸- خط تعلیق را توضیح دهید.
- ۹- چرا نستعلیق، عروس خطوط اسلامی نامیده شده است؟
- ۱۰- از شیوه های کاربرد خوشنویسی چند نمونه نام ببرید و یکی را توضیح دهید.
- ۱۱- از مهم ترین آداب خوشنویسی سه مورد را نام ببرید و توضیح دهید.

## تحقیق کنید

- درباره یکی از موضوعات میراث مکتوب تحقیق کنید و در کلاس پیرامون آن گفتگو کنید.
- از انواع نمونه های سنتی مجموعه ای جمع آوری کنید و در کلاس به نمایش بگذارید.



---

# فصل دوم

## میراث معماری

---





## میراث معماری



**هدف‌های رفتاری:** پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- جلوه‌های میراث معماری و شهرسازی را بدانند.
- ۲- معماری اسلامی ایران را توضیح بدهند.
- ۳- از پدیده‌های معماری ایران چند نکته را نام ببرند.
- ۴- بافت شهری و روستایی را بشناسند.
- ۵- مجموعه‌های معماری و تک بناها را بشناسند.
- ۶- چند نمونه از تقسیمات بناهای مذهبی و غیرمذهبی را بیان کنند.
- ۷- عناصر معماری و شهرسازی را توصیف کنند.

### میراث معماری و شهرسازی ایران

ایران همگام با سه تمدن کهن میان رودان، هند و مصر و قرار گرفتن میان تمدن‌های بزرگ شرق و غرب از شرایط خاصی برخوردار بوده و همچنین به علت ایجاد گستره‌های دانش، فرهنگ آن فراتر از مرزهایش بوده است. همچنین نخستین و یگانه ملت یکتاپرست جهان ایرانیان بوده و هرگز از خدای خود بت نساخته‌اند.

در دوران اسلامی نیز ایران مرکز حوزه فرهنگ و تمدن و گسترش اسلام در سراسر جهان شده و بیشتر بزرگان، مفسران، محدثان، دانشمندان و نویسندگان ایرانی بودند. ایرانیان با توسعه و گسترش دانش خویش ممالک اسلامی را با آداب مملکت‌داری، معماری، صنعت و هنر ایرانی آشنا ساختند. معماری ایران را نه تنها به منزله آثار تاریخی باستانی بلکه به آثار فکری که روح زنده و پایدار در آنهاست باید نگاه کرد. معماری ایران بخشی از هویت مردم این سرزمین است. شرایط طبیعی و اقلیمی

ایران، آداب و رسوم مذهبی، روحیه و اندیشه مردم آن را نه تنها در بناهای بزرگ بلکه در ساختمان‌های کوچک هم این انعکاس را می‌توان دید.

همچنین معماری ایران با شعر و عرفان، هندسه و نجوم ارتباط مستقیم دارد و قالب‌های انتزاعی آن در حکمت و نمادگرایی کیهانی و جهان‌بینی معنوی ایران کهن ریشه دارد تا بیننده را از جهان مادی به تعالی برساند. معماران ایرانی علاقمند بوده‌اند تا مفاهیم معنوی را به صورت رمز و نماد در قالب نقش‌های ماهرانه و زیبا ارائه نمایند.

البته بایستی یادآور شد که معرفی ارزش‌ها و خوبی‌های ایران، بازگشت به گذشته نیست، بلکه رجوع و معرفی ارزش‌ها برای برداشت آگاهانه و خردمندانه از آنهاست و مدرن شدن ریشه در گذشته دارد و باید ادامه منطقی ارزش‌هایمان باشد.

### میراث معماری و شهرسازی در دوره پیش تاریخی

اگر به گذشته دور سفر کنیم با زندگی مردم غارنشین در فلات مرکزی ایران آشنا می‌شویم. به دلیل آثار و یافته‌های فراوان سرزمین ایران از کهن‌ترین مراکز فرهنگی جهان به شمار می‌رود. از مهم‌ترین غارهایی که برای سکونت مورد استفاده قرار گرفته می‌توان به «غار شکارچیان» در کوه بیستون کرمانشاه، «غار تَمْتَمَه» در آذربایجان، «غار خونیک» در خراسان و «غار کمر بند و هوتو» در بهشهر اشاره کرد، که مربوط به دوره «پارینه سنگی» یا «حجر قدیم» است. در این غارها ابزارهای سنگی با تراش‌های مختصری یافت شده که مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

همچنین در حوزه کشف رود خراسان و بستر رودخانه لادیز در بلوچستان تعداد زیادی از این نوع ادوات کشف شده که عمر آنها به اوایل دوره پیلستوسن و احتمالاً حدود ۸۰۰/۰۰۰ سال پیش می‌رسد (تصویر ۱).

اطلاعات قابل توجهی هم از انسان‌های دوره پارینه سنگی میانه (از حدود ۱۰۰ تا ۳۵ هزار سال پیش) در مناطق غرب ایران، آذربایجان، خراسان، کرمان تا فارس و شمال خوزستان تا کنون کشف شده است. از این رو نخستین جمعیت‌های شناخته شده در دوران پیش تاریخی در روستاهای کوچکی پراکنده و زندگی می‌کردند. به احتمال ساخت کلبه‌هایی با شاخه درخت و خشت دست‌ساز و سپس خشت و گل چینه از مهم‌ترین مصالح ساخت این خانه‌ها بوده است.

از نمونه‌های اجتماعات معماری دوران نوسنگی هم تعدادی آثار در غرب ایران بدست آمده که نشانگر فرهنگ مشخص این دوره در کوه‌های زاگرس است که به «فرهنگ بردوسیان» معروف است. آثار بدست آمده از «غار شنیدار» در غرب ایران در این دوره قدمتی نزدیک به ۳۸ هزار سال را نشان می‌دهد که تا ۲۰ هزار سال پیش ادامه داشته است. از باستانی‌ترین اماکن مسکونی ایران می‌توان به «گنج دره هرسین»، «تپه سراب و دهکده گوران»، «تپه زاغه دشت قزوین»، «تپه سیلک کاشان»، «تپه حصار دامغان»، «محوطه‌های باستانی شوش» و ... نام برد که همگی در مدت زمان طولانی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. ویژگی منحصر به فرد معماری در این دوره با ساخت خانه‌هایی از خشت خام، چینه و آجر همگام با شیوه زندگی روستایی و کشاورزی و اندود دیوارها با لایه‌ای از کاهگلی می‌باشد.



تصویر ۱- طرح سطوح شکمی و بستی سنگ ابزارهای دوره نوسنگی

از نمونه‌های شاخص ساختمان منقوش کشف شده در تپه زاغه دشت قزوین است که به حدود اواخر هزاره هفتم و اوایل هزاره ششم پیش از میلاد باز می‌گردد به بهترین وجه به امکانات موجود در آن دوران آراسته و تزیین شده و برای نوعی گردهمایی و جلسات اجتماعی از آن بهره می‌برده‌اند. این ساختمان در مقایسه با نمونه‌های قبل تا حدی استثنایی بزرگ و مجهز است. تعداد زیادی سکو برای نشستن، آتشدان‌هایی برای تأمین حرارت در فصل سرما، و اجاقی برای پختن یا کباب کردن گوشت نیز در آن وجود دارد. حداقل دو محفظه برای جادادن ادوات و ابزار ساخته شده است. همچنین اتاق کوچکتري برای اشيا يا زندگي در نظر گرفته شده است. این ساختمان برای مدت‌ها مورد استفاده قرار گرفته و تغییرات بعدی نیز در آن صورت گرفته است. به احتمال قوی، ساختمان منقوش زاغه به عنوان محل مذهبی و مرکز اجتماعی برای اقوام دوران نوسنگی بوده است. وجود تعداد زیادی مجسمه گلی کوچک زنان باردار با چند سانتیمتر ارتفاع و همچنین مجسمه کوچک زنی که فرزندش را در بغل نگهداشته است تأییدی بر این مدعاست. علاوه بر نقوش تزیینی که بر روی دیوارها با گل اخرا و رنگ سیاه و سفید اجرا شده، دیوارهای این تالار نیز با نصب سر بزهای کوهی تزیین شده که احتمالاً تنها جنبه تزیینی نداشته و با عقاید مذهبی و افکار سنتی تمدن زاغه در ارتباط بوده است.

با افزایش اجتماعات در فن معماری پیشرفت‌هایی حاصل شد. نه تنها در خانه‌های مسکونی از نظر نقشه و کیفیت بنا بر اساس احتیاج زندگی روزمره بلکه در نقشه و طرح ساختمان‌هایی عمومی و بزرگ‌تر نیز تغییراتی حاصل شد و براساس نیازهای امنیتی، دفاعی اجتماعی و مذهبی ساختمان‌هایی ایجاد شد. این مراحل رشد را می‌توان نخستین گام‌هایی به سوی نظام شهرنشینی دانست.

## معماری و شهرسازی در دوره باستان

نمونه‌های شاخص دیگری در مناطق ایران وجود دارد که سیر تحول معماری و شهرسازی را در دوره تاریخی و باستانی بیان می‌کند. یکی از کهن‌ترین نمونه‌های بناهای شناخته شده باستانی ایران را می‌توان در دوره ایلامی معرفی کرد. این بنا همان معبد یا زیگورات چغازنبیل در نزدیکی شهرستان شوش است. بنای معبد که شبیه به برجی پلکانی است زیگورات نامیده شده است. ساختمان آجری بنا چهارگوشه در اصل پنج طبقه بوده اما اکنون فقط سه طبقه از آن باقی مانده است. بلندی بنا بین ۴۹-۵۲ متر تخمین زده شده است (تصویر ۲).



تصویر ۲- بازسازی فضای معماری معبد چغازنبیل

در ساختمان زیگورات، مجموعه‌ای از قوس‌ها، پله‌ها، راهروها، اتاق‌ها و مقبره و آبروه دیده می‌شود. اتاق‌های بدون پله به عنوان مقبره و اتاق‌های پله‌دار به عنوان محل هدایا مورد استفاده قرار می‌گرفت و این نشان می‌دهد زیگورات مانند اهرام مصر باستان به منزله آرامگاه هم بوده است.

به طور کلی معماری این بنای عظیم که در شمار بزرگترین زیگورات‌های جهان است، بهترین نمونه هنر معماری بر اساس طاق قوسی را در دنیای باستان نشان می‌دهد. طرز ساخت این معبد با دیگر معابد میان رودان (بین‌النهرین) تفاوت کلی دارد و آن ساخت طبقات است که هر کدام به صورت مستقل از زمین تا بالا ساخته شده است. در حیاط معبد و در برابر یکی از ورودی‌ها، بنای ستون مانند آجری دیده می‌شود که احتمالاً مراسم قربانی در آنجا انجام شده است. بر دیواره معبد تعداد زیادی آجرهای لعاب‌دار دیده می‌شود که بر آنها کتیبه‌هایی به خط میخی ایلامی موجود است که بیشترین اطلاعات درباره ساختمان آن از همین کتیبه‌ها بدست آمده است. همزمان با تمدن ایلام در شوش شهر سوخته در کنار کهن‌ترین دلتای رود هیرمند، در استان سیستان و بلوچستان واقع شده است و از مهم‌ترین مراکز دوران مفرغ در شرق ایران به شمار می‌رود. در کهن‌ترین لایه‌های آن یک گل نبشته ایلامی پیدا شده است. قدمت این گل نبشته به ۳۲۰۰ ق.م می‌رسد.

مهم‌ترین آثار معماری بدست آمده از شهر سوخته خانه‌های پلکانی و بنای شهر سوخته است. خانه‌های پلکانی نه تنها از نظر معماری بلکه از نظر اشیای بدست آمده<sup>۱</sup> نیز یکی از دوره‌های درخشان شهر سوخته به شمار می‌روند و مصالح اصلی بناها از خشت خام است.

برخی از باستان‌شناسان چند پایه در «تپه ملیان» در نزدیکی فارس پیدا کرده‌اند و عقیده دارند که سابقه کاربرد ستون از شش هزار سال پیش در معماری ایران شناخته شده است. مهم‌ترین بنایی که تاکنون در ایران با تالارهای بزرگ و ستون‌دار شناخته شده، «دژ حسنلو» واقع در جنوب دریاچه ارومیه در نزدیکی شهر نقده است. با توجه به اهمیت بنای معبد ایلامی در هزاره دوم پیش از میلاد، دژ حسنلو بنایی استوار بوده که با تالارها، اتاق‌ها، دهلیزها، حیاط، ستون و جرزا همگی بر اساس اصول معماری با سنگ، گچ، آجر و خشت در سده نهم پیش از میلاد بنا شده و در شمار پیشرفته‌ترین معماری‌های آن روزگار محسوب می‌گردد.

مادها با شیوه ساختمان‌سازی‌های عظیم آشنا بودند و در این دوران با استفاده از ستون‌آوری را پدید آوردند. از دیگر نمونه‌های معماری دوره ماد ساخت گور دخمه‌هاست. که به آنها کهندژ یا دژ قدیمی گفته می‌شود. دخمه‌های سنگی دارای ایوان طاق‌دار و ستون‌هایی است که در دهانه دخمه دیده می‌شود. با آنکه از معماری چوبی آن زمان اثری به جای نمانده است، اما به نظر می‌رسد همه ریزه کاری‌های ساختمانی از الوارهای چوبی تراشیده شده به کار رفته و به دقت در این دخمه‌ها، با تراش سنگ نمایش داده

---

۱- وجود اشیای سفالی و لوازم زندگی در گورستان شهر سوخته بیانگر اعتقاد آنها به جهان پس از مرگ است. انجام کارهای تولیدی صنعتی مانند سنگ‌تراشی، بافندگی، سفالگری، حصیربافی و بازرگانی در شهر سوخته رایج بوده است. در کاوش‌های شهر سوخته یک مجسمه انسان به دست آمده است که بنا بر نظر کارشناسان در آن نوعی آثار عمل جراحی به چشم می‌خورد و از نظر مطالعه پیشینه علم پزشکی و نحوه حضور آن در ایران و جهان اهمیت بسیار دارد.



تصویر ۳- آرامگاه دخمه‌ای دکان داود - سر پل ذهاب  
- استان کرمانشاه - دوره ماد



تصویر ۴- قلعه نوشی جان - ملایر - استان همدان  
- دوره ماد



تصویر ۵- سرستون سنگی عقاب دار از تخت جمشید  
- سنگ آهک - دوره هخامنشی

شده است. در بیشتر این دخمه‌ها علاوه بر حجاری آنها در کوه نقش برجسته‌هایی هم از صحنه‌های نیایش دیده می‌شود. مهم‌ترین این آثار عبارتند از: دخمه «دآو دختر» در ممسنی فارس، دخمه «فقرگاه یا فخریگاه» نزدیک مهاباد، دخمه «فرهاد و شیرین» در صحنه کرمانشاه، دخمه «اسحاق و نند» و «سکاوند» در نزدیکی هرسین کرمانشاه، دخمه «قیز قاپان» در کردستان عراق و همچنین دخمه «دکان داود» در نزدیکی سر پل ذهاب استان کرمانشاه (تصویر ۳).

در استان همدان و در نزدیکی شهرستان ملایر با حفاری‌های انجام شده در تپه «نوشی جان» نمونه‌ای از معماری جالب دوران ماد که به کهن‌دژ شهرت دارند کشف شد که آثار ساختمانی این تپه شامل آتشگاه، تالار ستون‌دار، معبد مرکزی، اتاق‌ها و انبارها، تونل و حصار دژ وجود دارد (تصویر ۴).

مهم‌ترین شاخص شهرسازی دوران ماد شهر هگمتانه در دامنه کوه الوند (و در داخل شهر همدان) است که تا زمان اشکانیان هم به عنوان پایتخت تابستانی به کار می‌رفته است.

آثار معماری مکشوفه در کاوش‌های باستان‌شناسی ایران در محوطه هگمتانه شامل برج و حصار و بناهای عظیم خشتی می‌شود و خبر از یک شهر یا دژ باستانی می‌دهد. شهر دارای حصار خشتی است که بدنه خارجی آن با گچ اندود شده است. شهر باستانی مکشوفه از لحاظ معماری و نیز از لحاظ تأسیسات دفاعی و حفاظتی، دارای ویژگی‌هایی است که در نوع خود کم‌نظیر است.

هنوز برای این معماری مکشوفه تاریخ قطعی مشخص نشده است، اما اشیای بدست آمده گویای این است که این شهر باستانی در دوره‌های تاریخی و قرون بعد از اسلام هم مورد استفاده بوده است. از دیگر آثار می‌توان بغستانه یا بیستون، کنگاور، اسپدانه یا اصفهان را نام برد.

کار اصلی مادها کشاورزی و گله‌داری بوده و گروهی نیز در فلزکاری و زرگری مهارت داشتند. از بقایای آثار معماری مادها دو نقطه در غرب ایران مشخص گردیده است. یکی بر روی تپه بزرگی به نام «گودین» نزدیک کنگاور در کرمانشاه و دیگری در تپه «نوشی جان» در نزدیکی همدان است. آثار جالب دیگری از این دوره در تپه «گیان نهاوند» و بخشی از گورستان تپه سیلک<sup>۱</sup> کاشان و گنجینه زیویه موجود است.

عالی‌ترین نمونه در تاریخ هنر این سرزمین، در دوران باستانی که به عنوان معماری شگفت‌آور خوانده می‌شود توسط هنرمندان دوران هخامنشی ایجاد شد که در مراکز حکومت و پایتخت‌ها مانند پاسارگاد، شوش، همدان، و تخت جمشید کاخ‌های بزرگ و زیبایی بنا کرده‌اند. این آثار همچنان پس از گذشت ۲۵ قرن هنوز بقایای آنها محکم و استوار بر جای مانده است. ستون‌ها و سرستون‌های باقی مانده نمونه آشکاری از هنر معماری و حجاری در این دوره بوده است. سرستون‌ها غالباً به شکل مجسمه شیر، اسب، گاو، عقاب و جانوران ترکیبی<sup>۲</sup> است. (تصویر ۵) شیارهای ستون‌ها، بلندی و زیبایی چشمگیری به آنها می‌بخشند. مهم‌ترین آثار این دوران شامل: کاخ‌ها، آرامگاه‌ها و

آشکده هاست (تصویر ۶).



تصویر ۶- آرامگاه دخمه‌ای نقش رستم - استان فارس - دوره هخامنشی

مجموعه کاخ‌های پاسارگاد به سال ۵۵۰ پیش از میلاد به دستور کوروش کبیر احداث شد و هر یک با ابعادی وسیع، بر سکویی سنگی بنا شده‌اند. کاخ شرقی که به نام «دروازه پاسارگاد» نیز نامیده می‌شود، دارای تالار مرکزی و هشت ستون مرتفع در دوردیف می‌باشد که سقف چوبی آن را نگاه داشته است. از این کاخ، تنها یک جرز یا پایه سنگی باقی مانده است. نمونه شاخص مجموعه پاسارگاد آرامگاه کوروش است (تصویر ۷).

در زمانی که پاسارگاد نخستین پایتخت هخامنشیان همچنان آباد بود، داریوش هخامنشی تصمیم گرفت شوش را پایتخت خود قرار دهد و در آنجا دست به کار ساخت کاخ شاهی شد. با توجه به اقلیم این منطقه، بیشتر مصالح ساختمانی آن از خشت و آجر تهیه شده است. بنابر لوحه‌ای از گفته‌های خود داریوش که در شوش کشف شده، در بنای کاخ او هنرمندان بابلی، مادّی، لیدی، و مصری خدمت می‌کرده‌اند و مصالح ساختمان از فواصل دور دست به شوش آورده شده است.

مجموعه کاخ‌های صُفّه تخت جمشید در زمان داریوش هخامنشی در مجاور و دامنه کوه رحمت در منطقه فارس بنا نهاده شد. در تکمیل این بنای عظیم بیشتر شاهان هخامنشی پس از داریوش به گونه‌ای دخالت داشته‌اند. در کاوش‌ها و خاک‌برداری تخت جمشید بقایای چندین کاخ در این صفه عظیم به دست آمد: «کاخ آپادانا» یا کاخ بارعام که مخصوص پذیرایی مهمانان بوده است. لوح‌های طلا و نقره (تصویر شماره ۸ در فصل میراث مکتوب) مکشوف در گوشه‌های تالار این کاخ، نشان می‌دهد که سازنده آن داریوش اول است. «کاخ صد ستون» که به شکل مربع و دارای صد ستون بوده است. «کاخ سه دروازه» یا اتاق شورا که سه درگاه بزرگ داشت و اکنون در وسط صفه تخت جمشید جای دارد. «کاخ تچر» یا کاخ زمستانی داریوش، از زیباترین و محکم‌ترین کاخ‌های تخت جمشید است که بر خلاف دیگر ساختمان‌های تخت جمشید رو به جنوب است (تصویر ۸).

«کاخ هدیش» یا کاخ خشایارشا، دارای یک تالار مرکزی مربع با ۳۶ ستون و یک ایوان ستون‌دار با دوردیف شش ستونی در مقابل آن قرار دارد. از آنجا که ساقه ستون‌ها از چوب بوده، از میان رفته و فقط ته ستون‌ها باقی مانده است.



تصویر ۷- پاسارگاد - آرامگاه کوروش - استان فارس - اوایل دوره هخامنشی



تصویر ۸- کاخ تچر یا کاخ زمستانی داریوش - تخت جمشید - دوره هخامنشی



علاوه بر آن در صُفّه تخت جمشید کاخ خزانه و مجموعه ساختمان‌های دیگری با نام‌های سربازخانه، ساخلو (پادگان) و تعداد بسیاری اتاق در کنار هم قرار گرفته که احتمالاً برای محافظان و نگهداری اشیاء بوده است. برای رفتن بر روی تختگاه یا صفه تخت جمشید باید از پله‌های بسیاری بالا رفت که با توجه به پهنای عریض آن رفت و آمد بسیار آسان صورت می‌گیرد (تصویر ۹ و ۱۰). یکی از زیبایی‌های تخت جمشید، نقش برجسته‌های آن است. این پایتخت تشریفاتی جایگاه دیدارهای رسمی و محل برگزاری جشن نوروزگان بوده است.

اشکانیان اوایل از شیوه‌های هنر یونانی پیروی کردند، اما پس از مدتی به هنر و معماری، به‌ویژه به معماری سنتی و ملی ایران تمایل نشان دادند. در این دوره، معماری بنای اصلی خود را، از آداب و اصول دوره چادرنشینی پارتی در برپایی اردوگاه‌ها گرفت. حیاط‌های چهارگوش مرکزی با ایوان‌های چهار سوی آن، به عنوان مظهری از معماری پارتیان به بین‌النهرین برده شد که نوع دگرگون شده آن را در معماری اسلامی به ویژه در دوران سلجوقیان به خوبی می‌توان دید.

پس از شکوفایی دولت اشکانی، به نمای ساختمان توجه بیشتری شد و سعی می‌شد تا آثار هنری را بر دیوارها، در معرض دید متمرکز کنند. نقاشی دیواری توسعه یافت و تزئینات دیوارها آمیخته‌ای شد از نقاشی و گچبری، که نمونه بسیار زیبای آن در معبد «کوه خواجه» در وسط دریاچه هامون در سیستان بدست آمده است (تصویر ۱۱). «کوه خواجه» هنگام بالا آمدن آب دریاچه هامون به صورت یک جزیره خودنمایی می‌کند. موقعیت مناسب کوه موجب شد که در گذشته دور از آن به عنوان مأمن و محل استقرار استفاده کنند و آثار معماری خشتی در آن شکل گیرد (تصویر ۱۲). یادمان خشتی و محوطه کوه خواجه زابل از مهم‌ترین آثار هنری و معماری پارتی است که نقطه اتصال شهرنشینی و استقرار فرهنگی بین فلات ایران و شرق و جنوب شرقی در آن دوران به شمار می‌آید و به شکل دایره ساخته شده است که الگوی شهرسازی پارتی به‌شمار می‌رود.

«محوطه تاریخی نسا» که در نزدیکی عشق‌آباد پایتخت جمهوری ترکمنستان واقع شده است یکی دیگر از محوطه‌های هنر و تمدن پارتیان است.



تصویر ۹- ورودی کاخ داریوش - تخت جمشید - دوره هخامنشی



تصویر ۱۰- ورودی دروازه خشایار شاه (دروازه ملل) - تخت جمشید - دوره هخامنشی



تصویر ۱۲- دورنمای کوه خواجه - سیستان



تصویر ۱۱- نقاشی دیواری - سر مرد نیمرخ - قرن اول میلادی - کوه خواجه

از ویژگی‌های هنر و معماری این دوره انتقال برخی از عناصر آن به دوره بیزانس و ساسانی می‌باشد. شاید تاریخ معماری «طاق‌دار» که در ایران بسیار معروف است، از دوره اشکانیان آغاز شده و در دوره ساسانیان تکامل یافته است.

بنای طاق‌گرا واقع در دامنه کوه پاتاق در کنار راه کرمانشاه به سرپل ذهاب ترکیب طاق گهواره‌ای و پیشرفت فنون ساختمانی را در این دوره نشان می‌دهد.

معبد آناهیتا (الهه آب‌ها) در کنگاور که بر سر جاده همدان و کرمانشاه واقع شده، در زمان هخامنشی، برای انجام مراسم نیایش بنیاد نهاد شده بود که در دوره اشکانیان بر پی و شالوده‌های صافه و با به‌کارگیری سنگ و حجاری‌های پاک تراش و احیای سنت‌های معماری و حجاری دوره هخامنشی، پرستشگاه بر آن استقرار یافت، که از جمله شاهکارهای هنر معماری پارتیان به شمار می‌رود (تصویر ۱۳). میان شیوه معماری پارتی و ساسانی در بنیاد ساختمان‌ها چنان همبستگی و نزدیکی وجود دارد که انتساب پاره‌ای از آثار به این دو دوره را، دچار تردید می‌کند. برای نمونه، در انتساب کاخ مدائن در تیسفون به یکی از این دو دوره، هنوز اظهار نظر قطعی نشده است. صرف نظر از جهات تاریخی در معماری ساسانی، چنان عوامل معماری اشکانی بی‌کم و کاست پیموده شده که گویی با تغییر شاهان هیچ دگرگونی در طریقه ساختن بناها پیش نیامده است.



تصویر ۱۳- معبد آناهیتای کنگاور - کرمانشاه - دوره اشکانی

با این حال هنر ساسانی با جهان‌بینی مذهبی همراه است. آنها مذهب زردشت را رسمیت بخشیدند و در دوران حکومت‌شان بناهای بسیاری پدید آوردند که از حیث عظمت با هنر روم و بیزانس برابری کرد و گاه بر آن برتری داشت.

بهترین شیوه طاق زدن بر بناهای مربع شکل، در معماری ایرانی و حتی معماری غربی، متعلق

به ساسانیان است. معماران آن دوره در پوشاندن فواصل وسیع با مواد سخت توفیق یافته بودند. بعضی از اصول معماری ساسانی، راه را برای ترقی معماری گوتیک در اروپا باز کرد. در مجموعه هنر معماری این دوره، یگانگی و پیوند خاصی دیده می‌شود. اساس معماری گنبد است و ایوان، طاق نماها، اتاق‌ها و طاق‌های گهواره‌ای اغلب در اطراف یک یا چند حیاط قرار گرفته‌اند. تزئینات بناهای ساسانی شامل هنرهای گچبری، موزائیک‌کاری و نقاشی دیواری و حجاری (تصویر ۱۴ و ۱۵) می‌شوند.



تصویر ۱۴- غار بزرگ طاق بستان

به طور کلی، معماری عهد ساسانی براساس معماری سنتی و برای نواحی خشک مرکزی و شرقی ایران پدید آمده بود. بدین معنی که در ابنیه ساسانی اعم از کاخ‌ها و آتشکده‌ها، پوشش‌های گنبدی و ساختن ایوان‌های دارای طاق ضربی و چهارطاق‌های مخصوص آتشکده متداول و اساس معماری این زمان بوده است. تعدادی از بناها که بقایای آنها بر جای مانده است، مانند کاخ فیروزآباد، کاخ سروستان در فارس و ایوان مدائن در تیسفون، ایوان کرخه در خوزستان، همچنین آتشکده‌هایی با نام‌های تپه میل بین تهران- ورامین، آتشکده نیاسر در کاشان، آتشکده آذر گشنسب در تخت سلیمان و چهار قاپی در قصر شیرین و ... تا حد بسیاری وضع معماری را در دوره ساسانیان آشکار می‌کنند (تصاویر ۱۶ و ۱۷ و ۱۸).



تصویر ۱۶- کاخ اردشیر - فیروزآباد - فارس



تصویر ۱۵- طاق بستان - کرمانشاه



تصویر ۱۸- آتشکده آذرگشنسب - تخت سلیمان - آذربایجان غربی



تصویر ۱۷- آتشکده نیاسر - کاشان

آتشکده‌ها با مفهوم مذهبی بنا یک پرستش‌گاه ایرانی هستند و می‌توانند به شکل‌های کاملاً متفاوت از چهار طاق‌های ساده تا آتشگاه‌هایی با فضای زیاد، بنا شده باشند.

ایوان رفیع ساسانی معروف به «ایوان خسرو» که از آجر قرمز و ملات ساروج ساخته شده بود، نیز به لحاظ تاریخ معماری ایران حائز اهمیت است.

شهر فیروزآباد فارس مانند شهرهای پارتی دایره‌وار بود اما شاپور اول شهر تاریخی بیشاپور یا «به‌شاپور» (شهر زیبای شاپور) را بر خلاف آن به شکل یک چهار ضلعی ساخت که از یک جهت محدود است به دیوار محوطه و خندق‌ها و از طرف دیگر به کوهی تکیه کرده است. یک قلعه مستحکم نظامی با شبکه‌ای کامل از دیوارها و دژهای کوچک، آن را حفاظت می‌کند و سوی دیگر آن را رودخانه فرا گرفته است. یک محله شهر، مخصوص ساختمان‌های شاهی است. تالار بزرگ کاخ، با قلوه سنگ و ساروج ساخته شده و با به کارگیری بهترین شیوه معماری ایرانی بر پا شده است. یک محیط مربع شکل مرکزی پایه گنبد است و چهار ایوان سه اتاقی اطراف آن را فرا گرفته است. یک تالار سه ایوانی که در شرق تالار بزرگ به حیاط مشرف است، از قطعات سنگ مفروش شده و حاشیه‌ای از قطعات موزائیک داشته که شاید تقلیدی از نقش یک قالی ایرانی متعلق به همان دوران باشد.

در محوطه بیشاپور پرستش‌گاهی سنگی است که احتمالاً به «آناهیتا» ایزد آب و باروری که ستایش آن با ستایش آتش همراه بوده است، اهدا گردیده که از جذابیت خاصی برخوردار است.

ساختن و پوشانیدن سقف تالار بزرگ «کاخ بیشاپور»، کاری بسیار مشکل بود و از نظر فنی و اجرایی و تاریخ معماری بسیار مهم می‌باشد که چگونه چنین سقفی با مصالح سنگ و ساروج ساخته شده است که امروزه هم کار مشکل و بزرگی است. اصولاً معماران ساسانی با استفاده از تجارب و معماری پیشینیان در کار طاق‌زنی و گوشه سازی و فیلیپوش‌سازی<sup>۱</sup> برای پوشش گنبدی، نمونه ارزنده‌ای را تجربه کرده و به یادگار گذاشته‌اند که به معمای دوران اسلامی ایران منتقل شده و آنها این شیوه را به اوج شکوه و زیبایی هنری و فنی رسانیده‌اند.

هنر و معماری ساسانی به سرزمین‌های دیگر گسترش داشته به طوری که از طاق گهوارهای پیوسته ساسانی در سده ۱۰ میلادی برای ساختمان «کلیسای سنت ماری دامر» الهام گرفته شده است.

## معماری دوران اسلامی

اسلام در قرن هفتم میلادی، پایه گذار فرهنگ نوینی شد که بخش‌های عمده‌ای از جهان متمدن را فرا گرفت و چهره بسیاری از کشورها را دگرگون نمود. با ورود تدریجی اسلام به این کشورها، نژادهای گوناگون، از اسپانیا تا هند در ساختن تمدن تازه که «تمدن اسلامی» نام دارد، شریک شدند، هر چند که در این میان سهم همه ملت‌ها یکسان نیست و آنهایی که با میراث‌های غنی پیش می‌آمدند، در ساختن بنای فرهنگی تازه اثر بخش‌تر بودند.

از جمله کشورهایی که در این تمدن سهم عمده‌ای دارد، ایران است. پس از اینکه ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند، هیچ مانعی نمی‌دیدند در همان جایی که پدرانشان به عبادت می‌پرداختند خود نیز با

دین جدید به پرستش پردازند شاید در نتیجه همین طرز فکر بود که در همان اوایل، آتشکده‌های دوره ساسانی را تبدیل به مسجد کردند. «مسجد یزد خواست» (بین اصفهان و شیراز) یکی از این مساجد است و پس از گسترش بیشتر اسلام در این سرزمین، ساخت مساجد در هر گوشه‌ای آغاز شد.

### سیر تحول معماری و شهرسازی دوران اسلامی

مهم‌ترین بنای اسلامی را مساجد تشکیل می‌دادند از این رو مساجد اولیه طرح و نقشه بسیار ساده‌ای داشتند. گو اینکه از معماری اولیه این دوره، نشانه‌های اندکی بدست آمده، اما با توجه به همین نمونه‌ها می‌توان گفت که طرح و نقشه این مساجد شامل یک صحن یا حیاط مستطیل در وسط، سلسله اطاق‌هایی در اطراف و در سمت جنوب، یعنی قبله، شبستانی است که به کمک ستون‌هایی، سقف بر آن سایه گسترده است. در قرون اولیه، معماران ایرانی چندان به دنبال ابداع نبودند، بلکه می‌کوشیدند آنچه را موجود بود، کامل‌تر کنند. گنبد‌های سنگین ساسانی در این زمان بر فراز پایه هشت ضلعی منظمی قرار گرفت و مساجد به تقلید طرح‌های محلی، به صورت بناهای شبیه به چهار طاقی ساسانی - البته به صورت کامل‌تر بنا شد.

کیفیت بنای پایه‌ها، ستون‌ها و احداث ایوان بلند و طویل و به کار بردن مصالح ساختمانی و تزیینات آجری و گچبری در مساجد این دوره، عناصر ساختمانی ساسانیان را در معماری مسجد نشان می‌دهد و نفوذ معماری ساسانی در بناهای مذهبی به درجه‌ای می‌رسد که به تدریج اصول معماری اسلامی بر شالوده معماری ساسانیان پایه‌گذاری می‌شود.

از معماری اولیه دوره اسلامی در ایران، نمونه‌های اندکی بجای مانده است. بناهایی مانند مسجد جامع فهرج در یزد، تاریخانه دامغان، مسجد جامع نائین، مسجد جامع شوشتر نمونه‌هایی از آن زمان است که بعضی از آنها از میان رفته یا تغییر شکل یافته‌اند (تصویر ۱۹).

«مسجد جامع فهرج» توسط معماران

ایرانی در قرون اولیه اسلام برپا شد. ویژگی‌های این مسجد در شکل طاق‌ها، قوس‌ها و جزئیات تزیینی آن است و از نظر وضعیت ساختمانی ثابت می‌کند که با پیروی از معماری ساسانی ساخته شده است. عناصر اصلی بنا شبستان، راهرو و مناره است و شکل عمومی بنا ساده و تنها نقوش ساده و زیبایی از گچبری زینت بخش دیوار آن است.



تصویر ۱۹ - مسجد جامع فهرج - قرون اولیه اسلامی

«معماری دوران اسلامی ایران» عموماً در سه گروه اصلی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند :

۱- بافت شهری و روستایی

۲- مجموعه‌های معماری

۳- تک بناها

### بافت شهری و روستایی

در ایران امروز، روستاها و شهرهای تاریخی بسیاری با آثار و ساختار دوران اسلامی وجود دارد. به بیان دیگر، تمامی شهرها و روستاهایی که امروزه در آنها زندگی می‌کنیم، در دوران اسلامی شکل گرفته‌اند. هر چند بنیان اولیه تعدادی از آنها به دوران قبل از اسلام می‌رسد.



از بین تمامی شهرها و روستاهای دوران اسلامی ایران، تعدادی از آنها با توجه به بافت و ساختار ویژه و آثار و بناهای فراوان بسیار ارزشمند و صاحب نام و آوازه‌اند و گروهی از آنها در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند. روستاهای ماسوله، ایبانه، میمند و یا بازارها و بافت‌های تاریخی شهرهای اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد، کرمان، یزد، تهران، کاشان، زواره و ... از این قبیل‌اند که بسیاری از آنها با سابقه تاریخی و ویژگی‌های معماری و شهرسازی خود ارزش جهانی دارند (تصاویر ۲۰ و ۲۱ و ۲۲).

تصویر ۲۰- دورنمای روستای ماسوله - گیلان



تصویر ۲۲- دورنمای روستای میمند - کرمان



تصویر ۲۱- روستای کندوان - آذربایجان

از این میان می‌توان به دو مورد اشاره کرد :

الف) میدان نقش جهان اصفهان و بازارها و بناهای پیرامون آن و ... که یکی از قدیمی‌ترین و وسیع‌ترین نمونه‌های معماری و شهرسازی در دنیاست.

ب) ساختار شهری و بناهای دو شهر کاشان و یزد که در نوع خود از عالی‌ترین نمونه‌های هنری و معماری ایران و جهان است که با استفاده از ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین مصالح و مواد بومی و با رعایت آداب و سنن زندگی و هماهنگی با طبیعت و محیط کویری بنا گردیده و شاهکاری بدیع از هنر و معماری می‌باشند.

مهم‌ترین بخش اجتماعی و کالبدی شکل‌دهنده به بافت‌های تاریخی، «بازار» است که با داشتن اصلی‌ترین بناهای شهر، عمده‌ترین فعالیت‌های اجتماعی در آن اتفاق می‌افتد. با توجه به نقش اصلی بازار در بافت‌های تاریخی و شکل‌گیری و زندگی شهرهای اسلامی، بسیاری از بازارهای تاریخی ایران در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (تصویر ۲۳).



تصویر ۲۳- بازار کرمانشاه

## مجموعه‌های معماری

یک «مجموعه معماری» از تعدادی بناهای گوناگون با عملکردهای مناسب و مکمل یکدیگر تشکیل می‌شود که در کنار هم و در قالب یک ساختار بزرگ ساخته شده‌اند. «مجموعه‌ها» به دلایل مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و ... شکل می‌گیرد که پیدایش آنها با ایجاد یک بنای اولیه مثل یک آرامگاه ساده یا یک مکان مذهبی و یا ... شروع می‌شود و در طول زمان با اضافه شدن بناهای دیگر مانند مسجد، مدرسه، کتابخانه، آب انبار، خانقاه، زائر سرا، کاروانسرا و ... به یک مجموعه گسترده و با شکوه تبدیل می‌شود.

مجموعه تاریخی «سنگ بست» در نزدیکی شهر مقدس مشهد (سده سوم و چهارم ه.ق) از

نخستین نمونه‌های این گونه مجموعه‌هاست.

مجموعه حرم مطهر حضرت رضا (ع) در مشهد (تصویر ۲۴)، مجموعه گنجعلی‌خان کرمان (تصویر ۲۵)



تصویر ۲۵- نمای داخلی مسجد گنجعلی‌خان - کرمان



تصویر ۲۴- مجموعه حرم امام رضا (ع) مشهد مقدس



تصویر ۲۶- حرم حضرت معصومه (س)

بقعه شاه نعمت‌الله ولی در کرمان، مجموعه شیخ احمد جام در تربت جام خراسان و مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل، مرقد مطهر حضرت معصومه (س) در قم از این مجموعه‌ها می‌باشند (تصویر ۲۶).

بناهای دوران اسلامی در دو گروه تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱- بناهای مذهبی مانند: مساجد، مدارس، بقعه متبرکه، آرامگاه، قدمگاه، حسینیه‌ها، تکایا، مصلی‌ها و کلیساها.

۲- بناهای غیرمذهبی مانند: پل‌ها، آب‌انبارها، قنات‌ها، خانه‌ها، کاروانسراها، کاخ‌ها، باغ‌ها، حمام‌ها، قلعه‌ها، کبوترخانه‌ها و...

در قرون ۵ و ۶ هجری در هنر ایران گامی بزرگ برداشته شد و تاریخ هنر ایران، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های خود را در این روزگار سپری کرد.

هنر معماری در این دوره درخشان و شکوفا به درجه کمال رسید. هنرمندان در این دوره در معماری به عوامل و عناصری دست یافت که با آنها بتوان، بناهای بزرگ بوجود آورد. این شیوه ساختمان، اساس معماری مذهبی و کاروانسرا و مدرسه‌سازی ایران است.

مسجد جامع اصفهان در حقیقت مجموعه‌ای است از تحولات معماری این دوران که تا هزار سال همچنان سیر تحول معماری را نشان می‌دهد. دو گنبد خواجه نظام‌الملک و گنبد تاج‌الملک در مسجد، از نظر تکنیک و زیبایی، اثر بسیار چشمگیری است. ایوان‌های چهارگانه مسجد هر کدام شاهکاری از هنر هاست. شبستان‌های مسجد و همچنین محراب زیبای اولجایتو محمد از جمله زیباترین آثار هنری ایران به شمار می‌روند. در این مسجد زیبا و کامل به جز



سبک‌های مختلف معماری، انواع خطوط کوفی، ثلث و نستعلیق به کار رفته است (تصویر ۲۷). علاوه بر مسجد باید از مدرسه و کاروانسراها و مقبره‌های این دوره هم نام برد. اگرچه شبکه راه و جاده‌های شوسه، شاه‌رگ حیاتی تجارت یک کشور محسوب می‌شود، اما در گذشته‌های دور، بدون وجود کاروانسراها و مسافرخانه‌ها و ایستگاه‌های میان راه، استفاده مطلوب از جاده امکان نداشت.

یکی از کامل‌ترین کاروانسراه‌های این دوره «رباط شرف» در جنوب سرخس در راه قدیمی نیشابور - مرو است. با وجود خرابی‌های ناشی از مرور زمان، هنوز بسیار زیبا و کامل است (تصویر ۲۸).



تصویر ۲۷ - محراب الجایتو - مسجد جامع اصفهان - دوره ایلخانی



تصویر ۲۹ - برج گنبد قابوس - دارای ۱۰ ترک و کتیبه‌های کوفی



تصویر ۲۸ - کاروانسرای رباط شرف بر کناره راه ابریشم - خراسان رضوی - دوره سلجوقی

از نمونه آرامگاه‌های این دوره برج مدور مراغه با طرح دایره‌وار و برج مهماندوست دامغان و برج گنبد کاووس در گلستان و برج طغرل در شهر ری با طرح ترکدار را می‌توان نام برد (تصویر ۲۹). در معماری این دوره برج‌های خرقان در قزوین و گنبد کبود در مراغه به صورت هشت و ده ضلعی هستند (تصویر ۳۰).

سطوح خارجی دیوار بناها با آجر نماسازی می‌شده‌اند و کاربرد آجر بسیار رواج پیدا کرد و از انواع طرح‌های هندسی در آجر استفاده می‌شد. هنر آجر تراشی و تزیین بنا با آجرهای تراشیده، از قرن پنجم ه.ق در ایران معمول بوده است. در کنار این تزیینات بسیار زیبای آجری، کتیبه‌ها و خطوط تزیینی، با استفاده از آجر تراشیده، یکی از ویژگی‌های این دوره به‌شمار می‌رود.



تصویر ۳۰ - برج خرقان - نمای آجرکاری - قزوین - دوره سلجوقی

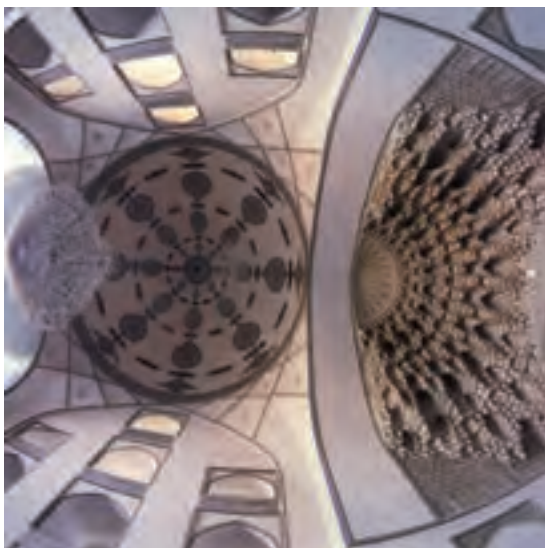


تصویر ۳۱ - مسجد گوهر شاد - مشهد - دوره تیموری

در قرون هفتم و هشتم این دوره بناها، به ویژه ساخت مقبره‌ها و آرامگاه‌های برج مانند به همان شیوه سده‌های پنجم و ششم هجری ادامه یافت. همچنین نقشه چهار ایوانی که از پیش متداول بود، در قرون هفتم و هشتم هجری نیز برای بناهای مذهبی مانند مسجد و بناهای غیرمذهبی مانند کاروانسراها به کار می‌رفت.

معماری در این دوره هم جنبه عمومی داشت و هم جنبه محلی و همان طور که بنای مسجد جامع اصفهان برای معماران دیگر مساجد سرمشق بود، معماران این دوره روش‌های ساخت مراکز بزرگ مثل سلطانیه را اقتباس می‌کردند و در کنار سنت‌های محلی به کار می‌بردند. در این دوره به تزیینات بناها بسیار توجه می‌شد.

سر در مسجد و رامین به کاشی‌ها و آجرهای قهوه‌ای رنگ تزیین یافته است. این مسجد نه تنها از لحاظ ساختمان عظیم و گنبد آجری آن اهمیت دارد، بلکه به خاطر تزیینات کاشی‌کاری معرق و گچبری و کتیبه‌های تاریخی آن جزء آثار مهم هنری ایران به شمار می‌رود.



تصویر ۳۲ - مقرنس - مسجد گوهر شاد - مشهد - دوره تیموری

مسجد گوهرشاد اگرچه سردر و مدخل مستقلی ندارد و یکی از مجموعه بناهای آستانه امام رضا (ع) است، اما طاق عظیم ورودی آن مملو از کاشی‌کاری و کتیبه‌های مفصلی است. بنای مسجد از هر جهت زیبا و کامل و یکی از شاهکارهای معماری دنیاست (تصویر ۳۱ و ۳۲).

مسجد کبود تبریز از بهترین بناهای قرن نهم ه.ق است که در زمان جهانشاه قراقویونلو بنا شده است. نقشه این مسجد شباهت چشمگیری به نقشه مساجد عثمانی دارد. این مسجد اگرچه فاقد صحن و حیاط مرکزی است، اما صحن مرکزی که با گنبد پوشیده شده، به صورت چهار ایوانی ساخته شده است. ورودی مسجد با تزیینات کاشیکاری در کمال زیبایی و ظرافت زینت شده است. در این کاشی‌ها رنگ‌های آبی روشن، آبی پررنگ، خاکستری و سبز چمنی و پررنگ به کار رفته و در برخی موارد، گل و بوته و شاخه‌هایی با طلاکاری در آن دیده می‌شود. کاشی‌کاری و رنگ‌آمیزی‌ها در این مسجد همان گونه است که هنرمندان در تزیین و تذهیب صفحات کتاب‌ها به کار می‌بردند (تصویر ۳۳).



تصویر ۳۳ - مسجد کبود تبریز - دوره قراقویونلو

علاوه بر معماری مساجد این دوران، باید به مقبره‌ها یا آرامگاه‌های این زمان هم اشاره کرد. گنبد سلطانیه یا مقبره سلطان محمد اولجایتو (خداوند) یکی از زیباترین بناهای اسلامی و شاهکاری از معماری این دوره است که در اوایل قرن هشتم ه.ق در نزدیکی زنجان ساخته شده است. بلندی این بنای هشت ضلعی منتظم بیش از ۵۰ متر است. این گنبد را طوری ساخته‌اند که بدون ساختن بناهای متصل و مجاور به آن با ابتکارات هوشمندانه فشارهای جنبی گنبد را به جانب زمین منحرف کرده‌اند. در هشتم

گوشه ساختمان مناره‌ها فشار وارده گنبد را عموداً خنثی نماید. (تصویر ۳۴)

در دیگر بناهای این دوره مثل کاروانسراها و مدرسه‌ها جلوه‌های زیبایی را می‌توان دید. ایلخانیان برای توسعه و پیشرفت اقتصاد در نقاط کشور بویژه در ناحیه شمالی و آذربایجان تعداد بسیاری راه‌های ارتباطی ساختند و برای آرایش کاروانیان در مسیر این راه‌ها و جاده‌ها کاروانسراهای بزرگ و زیبایی با توجه به اقلیم احداث کردند. مانند کاروانسراهای سرچم در بین راه زنجان و میانه، یا رباط سپنج در نزدیکی شاهرود. در نزدیکی مرز افغانستان و خراسان در شهر خواف و کنار دهکده خرگرد، مدرسه غیاثیه را دو معمار ایرانی، استاد قوام‌الدین شیرازی و غیاث‌الدین شیرازی بنا کردند. که یکی از مدارس کامل چهار ایوانی نیز هست. کاشی‌های معرق و آجرهای تزیین شده مدرسه شهرتی خاص دارند. (تصویر ۳۵).



تصویر ۳۴ - گنبد سلطانیه - زنجان - دوره ایلخانی

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنری ایران پس از اسلام دوره صفویه است. در اواخر قرن دهم هـ. ق در زمان شاه عباس با انتخاب اصفهان به پایتختی، این شهر به عنوان یکی از درخشان‌ترین شهرهای شرق گسترش پیدا کرد. با توجه به امنیت ایران در این دوره بناهایی بزرگ و عالی مانند کاخ‌های عالی‌قاپو، چهل ستون، هشت بهشت و تالار اشرف در اصفهان و بقعه شاهزاده حسین و سردر عالی قاپو در قزوین ساخته شدند. دیوار این کاخ‌ها از کاشی‌های خوش آب و رنگ پوشیده شده در میان مجموع آنها با نقوش نقاشان معروف آن دوره پیوند وجود دارد. سقف‌ها و دیوارها نیز غالباً با منبت کاری تزیین می‌شدند. (تصویر ۳۶). تزیینات چوبی در بناهای غیر مذهبی دارای نقش اصلی بود و در آنها میزان بیشتری از تذهیب کاری و نقاشی‌های لاک‌ی استفاده می‌شد. طرح‌های آنها با هنر نگارگری دارای رابطه نزدیکی بود. کنده کاری و خراطی به ویژه در درها و سقف‌ها، هنر خاصی در این دوره محسوب می‌شده است. نقاشی‌های دیواری (فرسک<sup>۱</sup>) در کاخ‌های عالی قاپو، قصر اشرف و چهل ستون و همچنین آئینه کاری



تصویر ۳۵ - مدرسه غیاثیه خرگرد خواف در خراسان - نمایی از فضای خارجی



تصویر ۳۶ - بقعه شاهزاده حسین - قزوین - دوره صفوی

۱- فرسک شیوه‌ای در نقاشی دیواری است که قبل از خشک شدن ملات گچ با آهک انجام می‌شود.

به عنوان نوعی تزیین جدید در بناها، مانند آینه‌خانه، مورد استفاده قرار گرفته است. در این دوره نقشه جدیدی برای شهر اصفهان ارائه شد و در آن خیابان بزرگ و معروف چهارباغ ساخته و طرفین خیابان را درخت کاشتند. این خیابان به پل بزرگی که روی زاینده‌رود است، می‌رسد. مرکز شهر را میدان نقش جهان با بناهای باشکوه دربرگرفته است. نمونه شاخص کاخ‌سازی مستقل از میدان نقش جهان نیز پدید آمده است. کاخ چهل ستون با ۲۰ ستون چوبی بلند در ایوان، تالار آئینه با سقف منقوش و زر اندود و منبت کاری و گچبری و نقاشی‌های عالی، یکی از مشهورترین کاخ‌های این دوره است (تصویر ۳۷).

معماری قصر هشت بهشت نیز از نظر منظره باغ اهمیت دارد. این قصر را برای جشن‌های مجلل در نظر گرفته بودند. شهرت این کاخ گذشته از جنبه معماری و زیبایی، به سبب استفاده از سنگ‌های مرمر و طاق مقرنس کاری و نقاشی مناظر کاشی کاری خاص آن است. آینه‌کاری این کاخ عامل دیگری در زیبایی بنا بوده است.

مدرسه چهارباغ با سر در ورودی و گنبد و دو مناره رفیع از نظر شیوه کاشی کاری و رنگ آمیزی جلب نظر می‌کند. بنای زیبای این مدرسه و کاروانسرا و بازار در خیابان چهارباغ احداث شده است. از این زمان به بعد در سراسر ایران، کاروانسراهای بزرگی از آجر و گاهی از سنگ ساخته شده است. از کاروانسراهای این دوره مهیار در اصفهان، بیستون در کرمانشاه، مادر شاه و شیخ علیخان در اصفهان را می‌توان نام برد.

در دوره صفویه تعداد زیادی پل ساخته شده که از نظر زیبایی و شیوه پل‌سازی بسیار چشمگیرند. پل الله‌وردی خان یا سی‌وسه پل در انتهای خیابان چهارباغ در اصفهان در دو طبقه بر روی رودخانه زاینده‌رود واقع شده است. در دو سوی جاده اصلی، راهروی سرپوشیده‌ای برای پیاده‌روان ساخته شده است (تصویر ۳۸).



تصویر ۳۸ - سی‌وسه پل (پل الله‌وردی خان) - اصفهان



تصویر ۳۷ - عمارت چهل ستون - اصفهان

پل خواجه که بر روی زاینده رود ساخته شده، از نظر معماری و کاشی کاری مشهور است و از لحاظ تناسب و جلوه، زیبایی چشمگیری دارد. این پل ها نه تنها برای عبور بلکه برای توقف نیز طراحی شده است و در آنها جاهایی برای تفریح و درنگ وجود دارد. در سراسر طول پل، غرفه های کوچک زیبایی تعبیه شده که با کاشی و نقش های دیواری زیبایی آراسته است (تصویر ۳۹).  
از زمان صفویه بناهای تاریخی بسیاری در ایران وجود دارد، چون مجموعه بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در اردبیل، (تصویر ۴۰)، که شامل مجموعه ای از گورهای شاهان، شاهزادگان دوره صفوی و چند ساختمان دیگر به نام چینی خانه، مسجد و متعلقات دیگر است.



تصویر ۴۰ - بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی



تصویر ۳۹ - پل خواجه بر رودخانه زاینده رود - اصفهان

مقبره استوانه ای شکل با گنبدی کوتاه پوشانیده شده است و دور برج از خارج دارای کتیبه بزرگ آجری است و نام «الله» با کاشی روی آن تکرار شده است.  
آستان پرشکوه قدس رضوی (ع) شامل مجموعه بناهای متعددی است. گنبد زرین بنا دارای دو پوشش است که پوشش خارجی آن طلاکاری است. این گنبد کتیبه ای به خط علیرضا عباسی خوشنویس دوره شاه عباس دارد. دو مناره طلا بر روی ایوان عباسی و ایوان جنوبی قرار دارند. طلاکاری ایوان صحن کهنه (عتیق) به فرمان نادرشاه افشار انجام شده و از این روست که به «ایوان نادری» معروف است.  
به طور کلی برخی از بهترین تزیینات و آیینه کاری و نمونه کاشی کاری سه دوره تاریخی متوالی را در آن مکان مقدس می توان دید، زیرا مسجد گوهرشاد در زمان تیموریان، صحن کهنه در زمان صفویه و صحن نو در دوره قاجاریه ساخته شده است.  
از نمونه های دوره افشاریه کاخ خورشید و برج های دیده بانی شهر کلات است (تصویر ۴۱).



تصویر ۴۱ - کاخ خورشید (کلات نادری) - خراسان



تصویر ۴۲- ارگ کریم خان - شیراز

در دوره زندیه در شهر شیراز عمارات و بناهای بزرگی ساخته شد. از جمله آنها، ارگ کریم خان، مسجد و حمام و یک بازار است. از ویژگی‌های کاشی‌کاری این دوره، استفاده از نوعی رنگ گل سرخ است که در زمان قبل دیده نمی‌شود. تزیینات کاشی‌کاری در بدنه بناها از آجرهای کاشی و زمینه سفید بود. صورت شخصیت‌های رسمی، صحنه‌های هنرنمایی رستم پهلوان ملی، شکار و دورنماها در کاشی‌کاری دیده می‌شود. (تصویر ۴۲)

در دوره قاجاریه شیوه جدیدی در معماری ایجاد شد و معماران این زمان نیز دنباله‌رو شیوه صفویه بودند. هرچند هنر معماری این زمان در مقایسه با دوره صفویه بسیار ضعیف شمرده می‌شود. اما به مرور به دلیل ارتباط زیاد با غرب معماری تلفیقی نیز پدید آمد.

معماری غیرایرانی با طرح‌های تزینی ایرانی از قبیل کاشیکاری، آینه‌کاری، گچبری و ازاره‌بندی از کاشی، توأم شد. با این حال عناصر معماری ایرانی به حیات خود ادامه داد به طوری که ایجاد زیرزمین‌ها با طرح‌های زیبا و پوشش‌های ضربی آجری، تعبیه حوضخانه‌ها، رواج بادگیر برای خنک کردن فضاها و احداث تالارهای بزرگ با شاه‌نشین‌ها و غرفه و گوشواره‌ها همه و همه به صورت دلپسندتری درآمد. ساختن بادگیرها در ابتدا ساده و فقط شامل یک دهانه هواکش مزین به کاشی‌کاری‌های زیبا بود. سپس به تدریج مراحل کمال را پیمود، چنان‌که صورت تکامل یافته آنها، دو طبقه و از چهار جهت دارای هشت دهانه هواکش است و جریان باد و هوا را از این دهانه‌ها به داخل ساختمان هدایت می‌کند.

در معماری، ساختن بادگیرهای مزین به کاشی‌کاری و قبه طلا در عمارت، رکنی از معماری اصیل ایرانی بوده است. بناهای مسکونی دوره قاجار (به جز کاخ‌های سلطنتی) همه به شیوه معماری اصیل ایران در ادوار قدیم بوده که در این دوره با ابتکارات جدیدتر به صورتی دلچسب و نیکو تکمیل شده‌اند.

در تهران و اطراف آن، چند نمونه مهم از معماری قاجاریه دیده می‌شود. یکی مقبره حضرت عبدالعظیم در شهر ری است که بنای مقبره و گنبد طلای آن قابل توجه است. بناهای دیگر قابل توجه «عصر قاجاریه»، مسجد امام (شاه یا سلطانی) و مسجد سپهسالار (مطهری) تهران است.

علاوه بر معماری مذهبی که از صفویه پیروی شده است، معماری کاخ و ساختمان‌های مسکونی که آمیزش عوامل معماری ایرانی و اروپایی را به حالتی بسیار دلنشین نشان می‌دهد؛ مانند عمارت کلاه فرنگی، کاخ سرخه حصار، کاخ شمس‌العماره، کاخ گلستان، تیمچه‌های وسیع و زیبای این دوره خود نشان دهنده شاهکارهای ماهرانه‌ای از استادان هنر معماری قرن سیزدهم ه. ق است. (تصویر ۴۳)

از دوره قاجار تیمچه و بازارهای وسیع با پوشش‌های خوبی در تهران و شهرستان‌های بزرگ موجود است که از نظر هنر آجرکاری و کاشی‌کاری و چه از نظر وسعت دهانه طاق‌ها قابل تحسین و ستایش‌اند. معماری در دوره پهلوی تنوع چشمگیر نداشته است. با ورود مصالح جدید ساختمانی مانند آهن، بتون و غیره و نیز آمدن مهندسان خارجی به ایران، مهندسانی که به پیشینه پرافتخار معماری کشور ما آشنایی نداشتند و بازگشت ایرانیانی که در خارج از وطن تحصیل هنر معماری کرده



تصویر ۴۳- کاخ شمس‌العماره - تهران



تصویر ۴۴- سردر باغ ملی - تهران

و یا تحت تأثیر معماری غرب بودند، دگرگونی شگرفی در هنر معماری ایران پدید آورد. با همه زیبایی که این نوع معماری‌ها به قیافه شهرهای ایران بخشید، متأسفانه غالباً جنبه تقلید از شیوه‌های معماری غرب بر تبعیت از هنر اصیل ایرانی یا ابداع شیوه جدیدی در معماری ایران، ترجیح داده شد. با این وجود، در بعضی از موارد، ناچار از تمایل به تزئینات به سبک ایرانی شده‌اند. بناهایی چون کاخ‌های سعد آباد، کاخ مرمر در تهران و ساختمان مجلل باشگاه افسران دبیرستان البرز، سردر باغ ملی، عمارت پست، گواه این مدعاست. این طریق معماری بدون توجه به عوامل اقلیمی و پیشینه معماری در ایران هنوز ادامه دارد (تصویر ۴۴).

## نکاتی در پدیده‌های معماری ایران

به جرئت می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از پدیده‌های موجود در عالم معماری با توجه به مدارک و اسناد موجود، در فلات ایران خلق شده‌اند. می‌دانیم که مغرب زمین همواره به معماری گوتیک فخر کرده است و به اعتباری مهم‌ترین شاهکارهای هنری معماری مغرب زمین به این سبک تعلق دارد. جالب است که معماری گوتیک را ملهم از معماری ایران می‌دانند. درباره پدیده‌های معماری که در ایران پیش از اسلام آفریده شده و طی قرن‌ها تحول و تکامل یافته و به دیگر سرزمین‌ها انتقال یافته، می‌توان نمونه‌هایی یاد کرد؛ مانند کاربرد انواع قوس‌ها و از آن جمله طاق ضربی از هزاره دوم ق.م در امر پوشش فضاهای معماری پدیده ارزنده‌ای است که در این سرزمین پا گرفته است. خلق گنبد بر روی پایه چهارگوش از ابتکارهای استثنایی است که در این سرزمین به وجود آمده و منشأ دگرگونی اساسی در کار معماری جهان شده است. ایوان نیز که یکی از پدیده‌های شگرف دوره اشکانی است، که در پی کاربرد وسیع و موفق آن در معماری ساسانی، در دوره اسلامی همچنان مورد توجه قرار گرفت و بعدها برای هرچه بیشتر شکوهمندی شبستان گنبددار به آن افزوده شد.

## عناصر معماری شهرسازی

**محله:** با حذف نظام طبقاتی مفهومی براساس هم‌شهری بودن یا براساس فعالیت‌های مشترک به شکل کوی، محله یا شهر کوچکی در بافت شهری پدید آمد.

**خیابان - کوچه:** ایجاد خیابان و کوچه به عنوان شیوه ارتباطی میان مناطق درون شهری و برون‌شهری از دیرباز در معماری و شهرسازی ایران وجود داشته است. با این حال به دلیل اهمیت به گیاه و زیبا جلوه دادن این عنصر شهری خیابان‌های چهارباغ پدید آمدند. کوچه‌ها نیز به عنوان مسیرهای فرعی با ایجاد تقاطع یعنی گذر از هر محله ایجاد شد. این کوچه‌ها براساس مناطق مختلف به صورت سرپوشیده یا باز ساخته می‌شدند. هر محله ممکن بود چند گذر داشته باشد.

**بازار:** محل مورد نیاز تجارت و مایحتاج مردم را بازار می‌نامند که در ابتدا در کنار دروازه‌های اصلی شهر و سپس در بافت مرکزی شهری ایجاد شد. بازارها به شکل سرپوشیده یا باز ساخته و مجموعه آنها را ارسن می‌نامند. عناصر مختلف بازار شامل راسته، رسته، سرا، تیمچه، حجره می‌باشد، مسیر اصلی بازار راسته نامیده می‌شود و از تقاطع دو راسته، چهارسوق پدید می‌آید. بخش‌هایی از



تصویر ۴۵- بازار مسگری

راسته که صنف مشاغل یکسان در آن قرار می‌گیرد، رسته نامیده می‌شود. فضای حیاط میانی که دورتا دور آن حجره‌ها قرار گرفته است.

مرکز چند تجارت‌خانه از یک صنف در یک فضای سرپوشیده، تیمچه نام دارد و مجموعه تیمچه‌ها در وسط یک فضای آزاد مسقف دارند (تصویر ۴۵)

**میدان:** میدان همان عنصر درونی شهر است که فضایی باز برای حضور مردم یا ارتباط اصلی با دیگر عناصر شهری است. میدان معمولاً به شکل میدان‌های بزرگ و کوچک ساخته می‌شوند. عملکرد میدان بیشتر به عنوان جایگاه مشخص، برخی ارتباطات و مشاغل و نیازهای شهری را در برمی‌گیرد. (تصویر ۴۶)



تصویر ۴۶- دورنمای میدان نقش جهان - اصفهان - دوره صفوی

**خانه:** در اکثر مناطق ایران خانه‌های سنتی دو قسمت اندرونی و بیرونی دارند. قسمت اندرونی خصوصی و برای زندگی خانوادگی در نظر گرفته شده است. و قسمت بیرونی برای رفت و آمد و پذیرایی از افراد دیگر استفاده می‌شود. و حریم زندگی خصوصی از دید مهمانان به طرز زیبایی از هم جدا شده است. (تصویر ۴۷) خانه‌های سنتی اغلب در چهار طرف یک حیاط مرکزی قرار گرفته است.

**مسجد و انواع آن:** مساجد مهم‌ترین عنوان و عنصر بناهای دینی است که در دوره‌های متفاوت برای برگزاری مراسم دینی و فعالیت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

در هر دوره نقشه ساختمانی مساجد تفاوت دارد که ابتدا به شکل شبستانی یا ستون‌دار (چهل ستونی) ساخته می‌شد. پس از آن شیوه چهارطاقی به شبستان اضافه شد. در دوره‌های بعد به شیوه ایوان‌دار و گنبدی رونق یافت. (تصویر ۴۸).



تصویر ۴۸- مسجد امام - اصفهان - دوره صفوی



تصویر ۴۷- حیات خانه شاه ویلایی - کاشان



**میل مناره:** این عنصر معماری در واقع برج‌های راهنماست که در کناره راه‌ها و در مسیر کویر یا مناطق کوهستانی و جنگلی ساخته می‌شوند. شب‌ها برای راهنمایی مسافران بر بالای آن آتش روشن می‌کردند و به این لحاظ مناره مدرسه این بنا عنصر اصلی تأثیرگذار در شکل‌گیری مناره در مساجد اسلامی است. با این حال الگوی اصلی بسیاری از برج مقبره‌ها نیز می‌باشد (تصویر ۴۹).

**کاروان سرا:** بخشی از معماری مهمی که برای اقامت موقت مسافرانی که به صورت گروهی معرفی کردند ساخته شده است. این بنا به دلیل گستردگی تبادلات اقتصادی و تجاری و با زیارت رونق بسیار داشته است. دارای حیاط وسیع و روباز و دورتادور آن تعداد زیادی حجره برای استراحت مسافران بوده است. (تصویر ۵۰)



تصویر ۴۹- برج طغرل - شهری - دوره سلجوقی



تصویر ۵۰- کاروانسرای میبد - یزد



تصویر ۵۱- گرم‌خانه گرمابه گنجعلی خان - کرمان

**گرمابه:** به دلیل اهمیت به پاکیزگی و نظافت، گرمابه عنصر بسیار مهم شهری است که در ایران از دیرباز تاکنون حضور اصلی داشته است. بنابراین این مکان پس از مسجد، مدرسه و بازار از عناصر مهم شهر به حساب می‌آمد. از عوامل مهم در گرمابه تنظیم دما و گرمایش است. مسیر دسترسی به بخش اصلی بنا از ورود ناگهانی هوای سرد؛ هم از بیرون به درون و هم در بین فضاهای درونی جلوگیری می‌کند. از عناصر مهم گرمابه فضای بینه (رخت‌کن) و گرم‌خانه (محل شست و شو) است. (تصویر ۵۱)

**مدرسه:** به دلیل ارزش آن به تعلیم و تربیت و یادگیری دانش مکانی خاص به عنوان مدرسه حائز اهمیت است. ایرانیان از دوران پیش از اسلام و دوران اسلامی با جدیت به ساخت این مکان پرداختند. شیوه معماری مدارس با تحول معماری مساجد به شکل ایوانی درآمد و از عناصر مهم آن مدرّس (محل تدریس استادان) و حجره (اتاق‌های محل اقامت طلبه‌ها) می‌باشند. (تصویر ۵۲)

**آرامگاه:** ساخت مقبره از دوران باستان نمادی از اعتقاد به دنیای پس از مرگ است. از این رو سیر تحول آرامگاه‌سازی از درون خانه‌ها یا مقابر مستقل یا گوردخمه‌ها با استفاده از عناصر معماری



تصویر ۵۲- مسجد مدرسه آقابرگ - کاشان

در باشکوه جلوه دادن آن قابل بررسی است. آرامگاه‌های بزرگان دینی و عرفانی و ... به صورت زیارت‌گاه مورد احترام واقع شده است. (تصویر ۵۳)



تصویر ۵۳- مقبره امیر تیمور سامانی - بخارا



تصویر ۵۴- کاخ هشت بهشت - اصفهان

**کاخ:** حضور حکومت‌های متمرکز ضرورت ساخت بناهای باشکوه و اشرافی را در دوره‌های تاریخی ایران باعث شد. ساختن کاخ و عمارت‌های مجلل برای حکمرانان و پادشاهان مسابقه طولانی در فرهنگ معماری ایران دارد. به دلیل انتخاب شهرهایی در دوره صفویه به عنوان پایتخت، ساختن کاخ در عرصه معماری اسلامی مطرح شد. تزیینات این بناها به نحوی قابل تحسین انجام شده است. (تصویر ۵۴)

**قلعه:** به دلیل ضرورت دفاع و کاربرد نظامی یا حفاظت از کاخ و قلمرو شاهی در کوهستان و دشت قلعه‌هایی می‌ساختند. در ساخت آن از مصالح مستحکم مثل سنگ و ساروج و آهک بهره می‌گرفتند و حتی از موقعیت طبیعی پرتگاه ارتفاعات شیب‌دار و صخره‌های دور از دسترسی استفاده می‌کردند. گاه در دشت‌ها با کندن خندق قلعه را از دسترس دور نگه می‌داشتند. (تصویر ۵۵)



تصویر ۵۵- قلعه‌ای بر فراز کوه یا ارگ بم - کرمان

**پل و آب بند:** ساخت پل ها و آب بندها در مسیر جاده های کاروانی یا رودخانه های پر آب برای جلوگیری از طغیان یا مسیر آب جهت کشاورزی و دیگر فعالیت های مرتبط میراث شکوهمند دیگری از تاریخ ایران باستان به شمار می رود. هنگام ساخت آب بند ضمن ذخیره آب به انتقال آب برای به گردش درآوردن سنگ های آسیاب هم توجه شده است. (تصویر ۵۶)



تصویر ۵۶- پل زمان خان - شهرکرد یا آب بند شوشتر

**آب انبار:** آب انبار مخزن آب زیرزمینی است که برای ذخیره سازی آب در مناطق خشک و کم آب می تواند بهترین روش نگهداری آب باشد. بسیاری از آب انبارها در مسیر قنات ساخته شده است تا آب سالم را به آب انبار هدایت کنند. (تصویر ۵۷)

**یخچال:** ضرورت به کارگیری آب گواریا و استفاده بهینه از نزولات آسمانی عنصر دیگری به عنوان یخچال در معماری ایران را باعث شد. این مکان حتی در روزهای گرم نیز می توانست یخ مورد نیاز مردم را که از نزولات آسمانی (برف) به شمار می رفت را فراهم کند. (تصویر ۵۸)



تصویر ۵۷- آب انبار

**کبوترخانه ها:** از دیگر ابداعات معماران ایرانی ساخت کبوترخانه است که هدف آن مکانی برای نگهداری کبوترها و جمع آوری فضولات آنها در مصرف کشاورزی به عنوان کود بوده که برای احیای کشاورزی و غنی کردن خاک استفاده می کردند. در شبکه های آجری بیشترین تعداد لانه را با کمترین مصالح ساختمانی فراهم می کردند. (تصویر ۵۹)



تصویر ۵۹- کبوترخانه - اصفهان



تصویر ۵۸- یخچال مؤیدی - کرمان

## پرسش

- ۱- دو نمونه از غارهایی را که مورد سکونت قرار گرفته‌اند، نام ببرید.
- ۲- فرهنگ بردوسیان متعلق به کدام دوره است؟
- ۳- از قدیمی‌ترین اماکن مسکونی ایران یکی را نام ببرید.
- ۴- فضاهای معماری زاغه با توجه به معیشت و رفتار اجتماعی چگونه است؟
- ۵- درباره ساختمان منقوش تپه زاغه و کاربرد آن توضیح دهید.
- ۶- درباره ویژگی‌های معبد چغازنبیل بنویسید.
- ۷- درباره ویژگی‌های دخمه‌های سنگی مادها توضیح دهید.
- ۸- مهم‌ترین آثار هخامنشی شامل چه نوع معماری‌هایی است؟
- ۹- اشکانیان معماری بنای اصلی خود را از چه سنتی ایده گرفته‌اند؟
- ۱۰- مهم‌ترین آثار هنری و معماری پارتی را که نقطه اتصال شهرنشینی و استقرار فرهنگی بین فلات ایران و شرق و جنوب شرق بود نام برده و درباره آن توضیح دهید.

- ۱۱- شهر تاریخی بیشاپور چه نقشه‌ای دارد؟
- ۱۲- سقف تالار بزرگ کاخ بیشاپور چگونه ساخته شده است؟
- ۱۳- تحولات معماری از قرون ۵ و ۶ در کدام بنا بیشتر مشهود است؟
- ۱۴- در کدام بنا منارها در هشت گوشه آن، از فشارهای جانبی بنا می‌کاهد؟
- ۱۵- پل‌های دوره صفویه را نام ببرید.
- ۱۶- معماری قاجاریه در مقایسه با معماری صفویه چگونه است؟
- ۱۷- انواع بناهای دوره اسلامی را نام ببرید.
- ۱۸- از عناصر معماری و شهرسازی چهار نمونه را نام ببرید و یکی را توضیح دهید.

## بحث کنید

- درباره علل افول معماری سنتی گفتگو کنید.
- درباره معماری معاصر گفتگو کنید و آن را با میراث معماری سنتی مقایسه کنید.

---

# فصل سوم

## باغ ایرانی

---





## باغ ایرانی



**هدف‌های رفتاری:** پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- مفاهیم عارفانه باغ ایرانی را ذکر کند.
- ۲- مفهوم درخت مقدس را بیان کند.
- ۳- الگوی باغ ایرانی را توضیح دهد.
- ۴- رابطه شعر فارسی و باغ ایرانی را بداند.
- ۵- چند نمونه از باغ‌های ایرانی را نام ببرد.
- ۶- انواع باغ را از نظر عملکرد ذکر کند.

فرهنگ ایرانی در طول تاریخ به صورت‌های گوناگون تجلی یافته است. دریای بی‌پایان زبان و ادبیات فارسی و گستره پرمعنای هنر و معماری، همواره به بهترین و شکوهمندترین شکل فرهنگ پارسیان را به ظهور رسانده است. فرهنگی به قدمت هزاره‌ها، در جلوه‌هایی بی‌شمار از خلاقیت و شیوه زندگی بروز یافته است. به راستی فرهنگ ایرانی با همه پیچیدگی‌های پنهان و آشکار در کجا حقیقی‌ترین ظهور خویش را تجربه کرده است؟

شاید بتوان گفت، بهترین تجلی ذوق و تفکر ایرانی ایجاد باغ و پردیس (فردوس، بهشت) باشد که در تمامی جلوه‌های هنری نمود آشکاری دارد. با این حال برخی از مورخان به این نتیجه رسیده‌اند که در زمان‌های بسیار دور احتمالاً زنان اولین باغ‌ها را پدید آورده‌اند چرا که در آن روزگار، مردان گرایش به کوچ داشتند و در جستجوی شکارگاه‌های بکر بودند. زنان، مردان را تشویق می‌کردند تا شکار را کنار گذاشته و به کشاورزی و دامداری بپردازند و از این‌رو بتوانند مواد غذایی خود را به دست آورده و جایگاهی آرامش‌بخش و مفرح بیابند. از این‌رو باغ‌ها نمایی از بهشت در این جهان است که درختان همیشه سبز و بلندقامتی چون سرو در آن کاشته می‌شد.

پس همواره کشت گل و گیاه خیال‌انگیز است. زنان به خصوص در دوران بارداری عمیقاً نیاز به مستقر شدن و سکنی گرفتن در مکانی ثابت را حس می‌کردند. شاید اولین بار پس از انتخاب مکانی مناسب، شروع به کشت کردند و گیاهان و گل‌های وحشی را پرورش دادند تا بالاخره توانستند آنها را تکثیر کنند. احتمالاً انجام این فرایند در آغاز تأمین مواد غذایی و دارویی بوده ولی بعدها گرایش به زیبایی یا برخوردار شدن از عطر گیاهان یا توجه به گیاهانی خاص در باور و زندگی، آنها را به کشت گیاهان وا داشته باشد. پس این لحظه که نمی‌دانیم در چه زمانی رخ داده، همان لحظه تجربه زیباشناختی باغ است که در ضمن لحظه مشارکت آفرینش تجلی زیبایی و طبیعت است. هرچند باغ‌های ایرانی شهرت جهانی دارند. براساس منابع مکتوب منوچهر پادشاه پیشدادی اولین کسی بود که تخم گل‌ها و میوه‌ها را از کوهستان آورد و در باغ‌ها به کشت آنها اقدام کرد. با این حال براساس شواهد باستان‌شناسی نخستین الگوی چهار باغ در پاسارگاد یافت شده که از ابداعات دوره کوروش به‌شمار می‌رود.

## مفهوم عارفانه باغ ایرانی

باغ ایرانی راهی است به درونی‌ترین لایه‌های اندیشه و خیال، تعبیری از معنای زندگی، غایت انسان، ازلیت و ابدیت، بهشت و زندگی و جلوه‌های زمینی از عالم ملکوت به روایت ایرانیان است. باغ ایرانی تداوم عشقی آکنده از شور و امید را به نمایش می‌گذارد. باغ ایرانی که میراث ارزشمند فرهنگ پارسیان است به نظام شکلی و هندسی و حکمت متعالی در طرح آن و درک عمیق باغ را فرآیندی از فهم است که «ریشه» در فرهنگ ایرانی اسلامی می‌دانند. همه مفاهیم بنیادی در ترکیب دیداری و ساختار فضایی، حرکت، ضرب‌آهنگ و ریتم، تقارن، پویایی، عطف و تعادل به زیباترین شکل خود در نظام فضایی باغ ایرانی تجلی یافته‌اند و دریچه‌ای به سوی تجسم ایرانی از بهشت موعود و عالم ماورا و گواه هنرورزی ایرانیان است که در آن آمیختگی هنر و خلاقیت و با حکمت و معرفت به نحوی آشکار تحقق یافته است.

## درخت مقدس

باغ ایرانی با سکوت طبیعت، موسیقی سبز درختان و هم‌آوایی همه کائنات در درک حقیقت هستی شکل گرفته است. در همه ادیان به درخت‌های مقدس اشاره شده است همچون درخت طوبی در قرآن مجید، درخت جاودانگی در اوستا و درخت کیهانی که زمین و آسمان را به هم می‌دوزند. در آثار تاریخی به ویژه مهرهای یافت شده در شوش، نقوش درخت را پای تپه‌ای نشان می‌دهد. درخت آن‌چنان مقدس است که در باورهای کهن ایران و میان رودان مجازات بریدن آن را مرگ می‌دانستند (تصویر ۱).

در اساطیر ایران پیش از اسلام نیز سرو مقدس‌ترین درخت است. نقل کرده‌اند که زردشت با دستان خود دو سرو سه هزار ساله موجود در کاشمر را کاشته است. همچنین پادشاهان هخامنشی



تصویر ۱ - پیرسبز (چک چک) - نیایشگاه جهانی زرتشتیان



به کاشتن سرو با دستان خود می‌بالیدند. نزد عرفان اسلامی نیز درخت چنار بسیار مقدس است و برگ آن را با دست انسان و پنج تن مقایسه می‌کنند و اساساً رنگ سبز، رنگ رویش گیاهان و باز زایش طبیعت نزد مسلمانان و به ویژه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) رنگی مقدس است.

بنابراین باغ ایرانی، بازتاب و یا فرافکنی صورت بهشتی باغی است که در ناخودآگاه قومی و خاطره‌های ازلی او همیشه وجود داشته است و به نظر آرتور پوپ هنرشناس ایرانی «در گوشه ذهن هر ایرانی، باغی وجود دارد.» (تصویر ۲ و ۳).

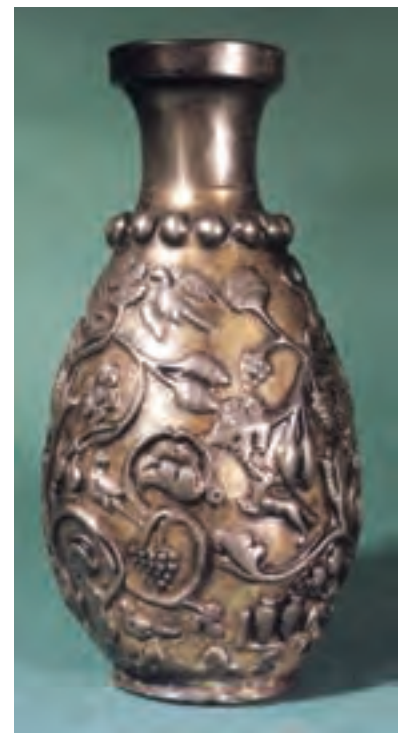
### الگوی باغ ایرانی

رابطه عارفانه ایرانیان با آب، درخت و گل به آسانی نشان می‌دهد که باغ ایرانی محیطی مقدس است چرا که مرادده و رابطه‌ای بین باغ مثالی و باغ زمینی است. از این رو کهن الگوی باغ ایرانی همواره سرچشمه همه هنرهای گذشته ایران بوده است. پس سؤال اینجاست که آیا این الگو در زمان معاصر می‌تواند سایر هنرها را نیز بارور سازد؟

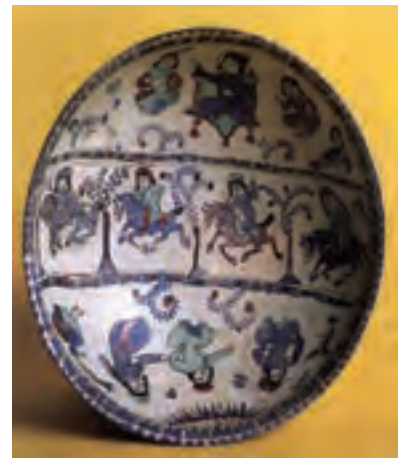
شکل بنیادین معماری ایرانی همواره تقسیم فضا به چهار قسمت است که همان الگوی ازلی جهان چهارگوشه است که همه جنبه‌های هنر ایرانی را در خود جای داده است و این ساختار را می‌توان رکن اساسی همه باغ‌های مشهور ایرانی دانست.

شاخص‌های معماری و باغ ایرانی، چهار طاق، چهار باغ، دو جلوه از یک الگوی مشخص هستند که نقش بسیار مهمی نیز این ویژگی‌های تقسیم‌بندی معماری و باغ در شکل‌گیری شهر و شهرسازی دارند. در فرهنگ باستان ایران باغ‌های باشکوهی ساخته می‌شد و این روند تا دوران صفویه نیز به انجام می‌رسد و چندین الگوی باغ - شهر پدید آمد که ابتدا باغ‌ها و سپس عمارت‌ها و ساختمان‌هایی در آن ساخته می‌شدند. باغ‌ها موجودات زنده‌ای هستند که به ما ارث رسیده‌اند و هرچند که جای تأسف دارد که به این میراث گرانبها گاهی توجه نداریم. باغ مهم‌ترین تولید ذهن ایرانی است و جهان شمول بودن آن حداقل قدمتی حدود ۲۵ قرن دارد.

اغلب باغ در اقلیم گرمسیری و کویری معنادار می‌شود. به این جهت ایرانیان همواره باغ‌ها را در دشت یا دامنه تپه یا در اطراف آبگیر می‌ساختند این باغ‌ها با حصار دیواری پیرامون آن به چهار بخش تقسیم می‌شدند که به وسیله جوی آب و آب روهای مزین به آبسره‌ها و تلاقی با عمارت‌ها شکل می‌گرفتند. از این رو درختان، گیاهان و گل‌هایی که کاشته می‌شد نسبت به هر اقلیم متفاوت بود. در باغ برای دسترسی به فضای موردنظر باید از فضاهای دیگر عبور کنیم که از این الگو به مفهوم تداوم و سلسله مراتب دسترسی یاد می‌کنند. در طراحی باغ ایرانی سر در ورودی و آب‌نمایی در بیرون باغ به عنوان جلوخان وجود دارد و با گذر از هشتی و محور اصلی (مسیر چهارباغ) به بنای باغ می‌رسند (تصویر ۴).



تصویر ۲ - تنگ سیمین با نقش تاکستان - قالب‌گیری و چکش‌کاری - موزه رضاعباسی تهران



تصویر ۳ - کاسه مینایی پایدار با نقش حاکم در باغ - دوره سلجوقی - موزه رضاعباسی تهران

۱- عدد چهار مقدس است و به چهار عنصر، چهار فصل، چهار دوره عمر آدمی و ... برمی‌گردد.



تصویر ۴- باغ شاهزاده - ماهان - کرمان

## رابطه هنر و باغ ایرانی

بی‌گمان نیکوترین جلوه‌های صورت و معنا برآمده از باورهای ایرانیان، باغ ایرانی است. فرازی از تاریخ آفرینش پارسی که لطیف‌ترین شعر طبیعت و عشق به زندگی را در یرتو استعاره‌های عرفانی ایرانی و اسلامی به بارزترین شکل پدیدار ساخته است. در باغ ایرانی، شور و لطافت شعر فارسی که جلوه‌ای از شکوه معماری ایران است، همواره با تبسمی امیدبخش به طبیعت و زندگی و دل‌بستگی اندیشمندان به عالم معنا به هم آوایی می‌رسند. بدون شک شعر فارسی و باغ ایرانی نیز با هم انس و الفتی دیرینه دارند. همه شاعران بزرگ پارسی از فردوسی تا سعدی، حافظ و مولوی همه و همه در وصف باغ و گل و گیاه شعر سروده‌اند و موضوع باغ در آثار آنان گاهی توصیفی زمینی و گاه جلوه‌ای از باغ ملکوت و بهشت است که جلوه‌های تمثیلی بسیاری دارند و حتی برخی مراتب سیر و سلوک عرفانی خود را در تجلی باغ جستجو کرده و بدان تشبیه کرده‌اند. از این رو همان تصویر بهشت که در باغ شکل گرفته در شعر پارسی نیز سروده شده است.

در آثار هنری دیگری مانند نگارگری جلوه‌هایی از باغ دیده می‌شود. نگارگری ایران نقشی از جهان غیرمادی را در باغی پر از گل به نمایش می‌گذارد (تصویر نگارگری). جلوه‌ای دیگر از باغ نیز در فرش ایرانی متجلی شده است. یکی از نخستین باغ‌فرش‌ها به دستور خسرو پرویز از ابریشم، طلا و نقره بافته شده و با سنگ‌های قیمتی تزیین یافته است که در تالار بزرگ طاق کسری پهن کرده بودند تا در طول زمستان وی را از دلتنگی باغ خود که بدان علاقه بسیار داشته به‌در آورد. این فرش همان فرش بهارستان است که آوازه بسیاری در ادب پارسی نیز دارد. همه فرش‌هایی



تصویر ۵- باغ فرش ایرانی معروف به فرش واکتر - نقش باغ بهشت و نهرکشی آن - موزه رضا عباسی تهران



تصویر ۷- باغ فرش - نقش درخت هستی



تصویر ۶- باغ فرش - نقش چهار باغ - اوایل قرن هجدهم

که با موضوع باغ کار شده‌اند در واقع نگاهی از آسمان به باغ هستند (تصویر ۵ و ۶ و ۷). که با مجموعه گل و گیاهان طبیعی و نقش‌پردازی شده‌ای شکل گرفته‌اند تا جایی که گاهی به صورت اشکال انتزاعی درآمده‌اند و در آن تمامی عناصر طبیعت با نقوش هندسی طراحی شده‌اند. شاید بتوان گفت که واژه فرش استعاره‌ای از عرش باشد و ارتباط آنها را با یکدیگر بیان می‌کند.

همچنین در معماری ایران نیز همواره فضاهای خالی، منظم و دقیق‌تر از فضای پر است. گنبدهایی که از داخل با طرح‌های کاربندی شده بسیار زیبایی آراسته شده‌اند و حفره‌ای در مرکز که نور داخلی را تأمین می‌کند با نهایت ظرافت و دقت به جزئیات پرداخته شده و از بیرون با سطح کاهگلی‌گاه به شکلی نامنظم پوشانده شده است.

این اختلاف بیرون از درون به بینش فرهنگی دوگانه انگاری میان ظاهر و باطن، جهان دنیوی و اخروی باز می‌گردد که ریشه کهن در باور ایرانی دارد. در تفکر و بینش اسلامی نیز منظره درونی اهمیت خاصی دارد و تجلی بسیار زیبایی رابطه باغ و معماری با نقش آینه و انعکاس جهان پیرامون همواره مورد توجه بوده است. پیشرفت ایرانیان در زمینه ساخت آب‌نما و فواره همیشه جهان‌گردان



تصویر ۹ - آب‌نمای کاخ چهل‌ستون - اصفهان - دوره صفوی

را به شگفتی واداشته است. در باغ، آب نمایی عظیم یا حوضی توانسته عالم مثالی و جهان مادی را به هم متصل کند (تصویر ۹ و ۸). در فضای داخلی معماری نیز آیینه کاری‌های ظریف و تکه‌تکه، بازتاب نگرش‌های تکوین جهان هستی ایرانی است و برداشتی هزار تکه و مبهم از عالم مثال است.

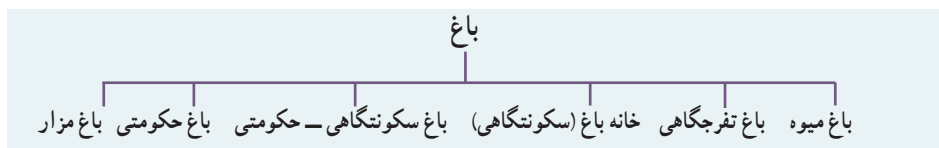


تصویر ۸ - آب‌نمای باغ هشت بهشت - اصفهان - دوره صفوی

## نمونه‌هایی از باغ ایرانی

نمونه اعلا و آرمان ذوقی سنت‌های شگرف هنر باغ‌سازی سرزمین‌های اسلامی همواره باغ‌های فاخر و شاهانه ایران باستان دانسته‌اند. باغ در مقام برخورد میان انسان و اندیشه‌ها و به عنوان میعادگاه زمین و آسمان و نقطه تلاقی عملکرد و تفکر و بهترین مکان تجربه شاعرانه و عاشقانه و همچنین عالی‌ترین جلوه‌گاه رسم و آیین جامعه و حتی بهترین جای تجربه عرفانی است.

در فرهنگ و تاریخ اسلامی الگوهای بسیاری از باغ‌سازی در همه سرزمین‌های اسلامی پدید آمد که همگی آنها با ساختاری چهارباغی ساخته شده‌اند که یادآور پیشینه بسیار غنی و کهن ایرانی است. هرچند که این باغ‌ها به فراخور شرایط آب و هوایی و امکانات مبدل به سبک‌ها و شیوه‌های گوناگون باغ‌سازی شده است. باغ‌ها عملکردهای مختلفی دارند که در این دسته‌بندی ارائه می‌شود :



در اینجا برای بهتر شناختن این میراث کهن که با روح و فرهنگ ایرانی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد، لازم است که نمونه‌های عینی آن آورده شود و باغ‌های ایرانی را به اجمال بشناسیم.

باغ ارم یکی از زیباترین، مشهورترین و با سابقه‌ترین باغ‌های تاریخی ایران در شیراز است که وصف آن در اشعار حافظ و سعدی نیز آمده است. باغ ارم، باغ جهان‌نما، باغ دلگشا، و باغ تخت از باغ‌های چهارگانه شیراز است. بوی عطر نارنج باغ دل‌گشا مشهور است. باغ نارنجستان قوام و باغ

نظر (نوعی باغ حکومتی) از دیگر باغ‌های شیراز است. شهر شیراز به واسطه باغ ارم و دیگر باغ‌های آن صاحب شهرت و مقامی خاص در باغ‌سازی ایرانی است. چهار باغ، باغ چهل ستون و باغ هشت بهشت (معروف به بلبل) از باغ‌های دوران صفوی در اصفهان به شمار می‌رود. باغ ایل‌گلی در تبریز از نمونه‌های زیبایی است. بنای آن در میان آبگیری بزرگ قرار دارد که به کمک پل قابل دسترسی است. باغ‌های دیگری چون باغ فین کاشان، باغ شاهزاده (شازده) در ماهان کرمان، باغ دولت‌آباد یزد، باغ گلشن طبس و ... را می‌توان نام برد (تصویر ۹، ۱۰ و ۱۱).

امروزه، به فراخور درک و بینش‌های جدید شاهد ظهور برداشتی دیگر از باغ به عنوان اثری مستقل هستیم که در شکل دادن به محیط طبیعی، سهمی تعیین کننده دارد. از این رو به باغ‌ها دیگر به عنوان ادامه یا زیر مجموعه معماری نمی‌نگرند بلکه آن را اثری مستقل دانسته و بررسی می‌کنند و باغ را نه بر حسب شکل ظاهری و سازگارشان با تصویرهای نمادین بلکه از آنجا که پاسخگوی نیازهای عمومی در دوره‌های معینی بوده‌اند تفسیر می‌کنند. به عبارتی باغ را ساختاری مشخص می‌دانند که نحوه تقسیم زمین و آب، مرزبندی‌های دقیق مکان‌های تجمع و رابطه‌ای عمیق بین ساختار و عوامل طبیعی با در نظر گرفتن شیوه آبرسانی، لطافت و تعادل میان آب و هوا و دیگر موارد را در رابطه با باغ مورد توجه قرار می‌گیرد.



تصویر ۱۱ - باغ دولت‌آباد



تصویر ۱۰ - باغ ارم شیراز - دوره سلجوقی - مرمت دوره صفوی



تصویر ۱۳ - باغ ایل‌گلی تبریز



تصویر ۱۲ - باغ مزار - حافظیه شیراز

### پرسش

- ۱- مفهوم عارفانه باغ ایرانی را به طور خلاصه بنویسید.
- ۲- درباره درخت مقدس ایرانیان توضیح دهید.
- ۳- رابطه شعر فارسی و باغ ایرانی چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- چهار طاق و چهار باغ چه معنایی دارد؟
- ۵- سه نمونه از باغ‌های شیراز را نام ببرید.

### گفتگو کنید

تصویری از نگارگری تهیه کنید که در آن باغ اهمیت داشته باشد، درباره آن گفتگو

کنید.